

بره از قرار صدی چهار از قیمت برای حق جواز دریافت خواهد شد.

**رئیس - آقای رهنما (اجازه)**

**رهنما - بنده موافقم.**

**رئیس - آقای دست غیب (اجازه)**

**دست غیب - موافقم.**

**رئیس - آقای دکتر آقاییان (اجازه)**

**دکتر آقاییان - بنده مخالفم.**

**رئیس - بفرمائید.**

**دکتر آقاییان - مخالفت من از این نقطه نظر است که اگر این پوست بره که صادر می شود بایستی مالیات بدهد این ترتیب اصولاً غلط است برای اینکه از اجناسی که صادر می شود نباید گمرک گرفته شود.**

حالا برای ازدیاد مایهات مملکتی گرفته میشود ولی از روی قیمت مالیات گرفتن غلط است چرا در خارج مایهات از روی قیمت جنس است ولی آن جنس فاكتور کارخانه دارد دلائل بیشتر دارد و معلوم است قیمت خرید چیست و از آن رو مالیات گرفته می شود. ولی در اینجا بین تاجر و دولت که آیا قیمت این جنس چقدر است اسباب زحمت میشود اگر آقایان در نظر داشته باشند قانون منع کشتار بره و صدور پوست بره تا زکی ندارد ده سال بود که مطابق تصویب نامه هیئت وزراء اقدام کرده بودند و پوست را بسه طبقه تقسیم کرده بودند و یک مبلغ معینی از هر عدد پوست دریافت میکردند.

بنده تصور می کنم هم از نقطه نظر سهولت امر و هم از نقطه نظر پوست و هم از نقطه نظر تجاری که حمل و نقل میکنند بهتر اینست که میزان مالیات معین شود که از هر پوستی چقدر مالیات بگیرند.

**مخبر - در کمیسیون در این موضوع مذاکره زیاد شده نه اینست که بدون مطالعه حرف باشد تعیین قیمت باینطور و بهر طوری که میخواهیم بنویسیم باز دچار اشکال و زحمت میشدیم زیرا پوستهایی که در مملکت پوست خراسان یا پوست شیرازی یا پوست اصفهان یا جاهای دیگر تفاوت کلی دارد و در همان سه نمره هم که فرمودند باز پوست فارس را نمیشود بطور کلی دو قران و پوست فلان نقطه راسه قران برای اینکه بین همان پوست های شیرازی هم تفاوت کلیت پوست قشقایی راده شاهی هم میخرند ولی پوست ایلات دیگر یکی دو**

سه قران دارد و همچنین در خراسان یک پوست هست که دو قران قیمت دارد یک پوست هست که دو قران قیمت دارد و نمی شود گفت پوست خراسانی و شیرازی وقتی که خارج میشود هر کدام فلاقدر بگمرک بدهند برای اینکه آنوقت یک پوستی که ده شاهی قیمت ندارد یک قران می دهد و یک پوستی هم که دو تومان قیمت دارد یک قران بسایند بدهد.

این باعث تبعیض است اما از حیث تقدیم هم آسانست برای اینکه در اداره گمرک سرحدی شایک مقومین مطالعه هستند و درین قبیل امور خیلی بصیرند علاوه هیچ وقت نشده است که یک نفر شکایت کند که فلان جنس مرا علاوه بر قیمتش تقدیم کرده اند مثلاً در قیمت قالی جوهری بوده است یا نبوده است پس از این حیث هم خیال راحت باشد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کفایت

**رئیس - دو فقره پیشنهاد ماده الحاقیه رسیده است قرائت و بکمیسیون مراجعه می شود (شرح ذیل خوانده شد)**

**پیشنهاد آقای تهرانی -** بنده پیشنهاد مینماید که ماده الحاقیه اضافه شود.

**ماده الحاقیه -** عوائدی که از اینراه وصول می شود پس از وضع مخارج لازمه آن اختصاص بمصارف مدارس ابتدائی خواهد شد

ایضاً پیشنهاد آقای تهرانی - بنده پیشنهاد می نمایم که فقره دوم بطریق ذیل اصلاح شود در موقع صدور پوستهای بره از قرار صدی ده از قیمت برای حق جواز دریافت خواهد شد

**رئیس -** باید رأی گرفته شود باینکه شوردوم بشود یا نه آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد - پیشنهاد آقای افشار می شود

(شرح ذیل خوانده شد)

محترماً پیشنهاد میکنم لایحه مربوطه بشهریه جمشیدخان افشار معروف بمجد السلطنه جزو دستور گذارده شود

**رئیس -** جزء دستور امروز یا فردا؟

**افشار -** فردا

**رئیس -** خبر کمیسیون بودجه راجع بمستخدمین بلژیکی حاضر است میفرمائید امروز جزء دستور بشود

**جمعی از نمایندگان -** بماند برای فردا

**رئیس -** دستور فردا اولاً کمیسیون بودجه راجع بمجد السلطنه بمخبر کمیسیون بودجه راجع بمستخدمین بلژیکی بمخبر کمیسیون فوائد عامه راجع بامتیازات السوس.

**رئیس -** آقای دامغانی (اجازه)

**دامغانی -** بنده چند جلسه است که منتظرم آقای کفیل وزارت معارف تشریف بیاورند و جواب سؤال بنده را که چند روز قبل صورت آنرا تقدیم مقام ریاست کرده ام بفرمایند.

تقاضا میکنم تذکر داده شود که آقای کفیل تشریف بیاورند و سؤال بنده را جواب بدهند

**رئیس -** آقای شیروانی (اجازه)

**شیروانی -** فقط یک ماده از قانون اوزان و مقادیر باقی مانده است و تصور میکنم برب سوس مقدم باشد منما میگویم جزو دستور فردا شود

**رئیس -** آقای حائری زاده

**حائری زاده -** خبریکه از کمیسیون قوانین مالیه راجع بمسئول داشتن مستوری و شهریه و دیون دولتی در مقابل بدهی مالیاتی است مدتیست مانده است دعای میکنم جزو دستور جلسه آتیه بشود

**رئیس -** عده کافی نیست اگر میل دارید فردا پیشنهاد بفرمائید تا رأی گرفته شود

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

**رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا منشی - م شهاب منشی - احتشام طباطبائی**

**جلسه صد و هفتاد و یکم صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه سوم خرداد ۱۳۰۴ مطابق غره ذی قعدة ۱۳۴۳**

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای آقا میرزا حسینخان پیر نیا تشکیل گردید.

صورت مجلس روز قبل را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند.

**رئیس -** آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - قبل از دستور عرض دارم.

**رئیس -** آقای حائری زاده (اجازه)

**حائری زاده -** راجع بدستور عرض دارم.

**رئیس -** آقای الموتی (اجازه)

**الموتی -** آقای الموتی (اجازه)

الموتی - قبل از دستور عرض دارم

**رئیس -** آقای عراقی (اجازه)

**عراقی -** قبل از دستور.

**رئیس -** آقای شوشتری (اجازه)

**شوشتری -** بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم.

**رئیس -** صورت مجلس ایرادی ندارد؟

(گفته شد خیر)

**رئیس -** آقای شیروانی (اجازه)

**شیروانی -** یکی از موضوعاتی که وقت غالباً آقایان نمایندگان و دولت و رئیس الوزرا را اشغال میکرد موضوع منتظرین خدمت بود موضوع منتظرین خدمت یک موضوعی بود که اغلب اوقات اشخاص رسمی صرف خواندن شکایتها و کاغذها و بالاخره آوردن تظلمات آنها بدوایر دولتی میشد و کمیسیون بودجه هم در سال گذشته شاید یک ثلث اوقاتش در این موضوع صرف شد

تا اینکه بالاخره موفق شد سالی صد و هشتاد هزار تومان برای حقوق آنها از مجلس گذرانند و ما تصور کردیم دیگر این موضوع خاتمه یافت و از این قسمت گرفتاری دولت و وکلاء نجات پیدا کردند.

اخیراً یک عده اشخاص پیش بنده آمدند در جاهای دیگر هم بنده آنها را دیده ام که شکایاتی دارند.

یکی از شکایاتشان این است که در تقسیم حقوق منتظرین خدمت رعایت قانون نشده

یکی دیگر اینست که در پرداختن رعایت عدل و انصاف نمیشود بعضی ها که انتظار خدمتشان مسلم شده و سندی هم بدست آنها داده اند تقریباً یک ماه حقوق بیشتر به آنها داده نشده و بعضی ها حقوق فروردین امسال را هم گرفته اند

بعضی ها سه ماه گرفته اند و بالاخره همان شکایاتی که منتظرین خدمت قبل از تصویب این پول داشتند

حالا هم دارند و چون نماینده دولت هم تشریف دارند خواستم تذکر بدهم وقتی که بنا است یک چنین پول گزافی داده شود خوبست رعایت عدل و انصاف در تقسیم این پول بشود و تبعیضات از بین برداشته شود.

**رئیس -** آقای الموتی (اجازه)

**الموتی -** بنده هیچ زمان نمی خواهم یک اصلاحی که در مملکت شروع میشود در آن تبعیض شود و هیچوقت هم نمی خواهم صحبت خودم را اختصاص بدهم به آن

نقطه که بنده را انتخاب کرده اند ولی چیزی که بنده را اودار کرده است که اینجا بیایم و استرحام کنم از مجلس که شاید بدل توجهی بفرمایند این است که اوضاع فزونی از حیث زراعت و تجارت با اندازه درهم و برهم شده که حد و وصف ندارد. سه سال بود در پی قنوت فزونی دچار سیل و تگرگ و سایر آفات شد و هر چه هم تظلم کردند ابداً توجهی بحال آنها نشد. قریب پانزده هزار نفر زن و مرد از شهر و دهات متفرق شده اند و کم کم نزدیک است بکلی دهات خالی از سکنه بشود. پیشنهادی هم در باب آب شاهرود شد در جواب گفتند وجه نیست. بنده نمی دانم اصلاح کار فزونی را بنده از غیر از مجلس از کی بخواهم اوضاع تجارتش چندین سال است که بکلی درهم و برهم شده و هیچ بدل توجهی نسبت بانها نشده فقط تا اندازه دلخوش بودند باینکه اوضاع زراعتشان شاید فی الجمله رو به بهبودی بگذارد و یک مساعدتی با آنها بشود ولی هر چند تظلم میکنند هیچ رسیدگی نمی شود. این زنهایی که در کوچه و محله های طهران گردش می کنند غالباً یا خرقانی و یا از دهاتی های فزونی هستند اینست که از مجلس محترم تمنا دارم بدل توجهی در این خصوص بشود نه اینکه مثل پیشنهاد آقا میرزا بدالله خان ( که راجع بدعواتی است که زیر گوش تهران است) این مسئله هم در طاق نسبان بماند. یا یک مساعدتی با آن کسانی که در آنجا مالکند بشود یا اینکه بان اشخاصی که امروز بانجا رفته اند و آنقدر سختگیری و اذیت می کنند دستور داده شود که این اندازه سختگیری نکنند تا اینکه ملاحظه رای آنها بشود یا بپذیرند. یا اوضاع تغییر کرده راهی برای خلاصیشان پیدا شود. اینست که بنده امروز اینجا آمدم که از مجلس استرحام کنم و از مقام محترم ریاست تقاضا می نمایم بگسانی که لازم است یک تذکری بدهند که شاید فزونی که روز بروز رو به خرابی و ویرانی می رود نجات پیدا کند. مجالاً دیگر عرضی ندارم. **بعضی از نمایندگان** - دستور **رئیس** - وارد دستور شویم **جمعی از نمایندگان** - بلی **رئیس** - دستور امروز اولاً خبر کمیسیون بودجه راجع به جمشید خان افشار تانیا خبر کمیسیون بودجه راجع به مستخدمین بلژیکی است **حائری زاده** - بنده در دستور عرض دارم **رئیس** - پیشنهاد آقای افشار فرات

می شود. **رئیس** - آقای رضوی (اجازه) رضوی - بنده کار باینکه ایشان چهار کرده اند وجه خیالاتی درباره آذربایجان داشته اند و خدمت کرده اند یا خیانت کرده اند ندارم. **پالانکه** تجزیه آذربایجان را میخواسته اند باینها کار ندارم فقط راجع بکلیه شهریه ها عرض میکنم که این شهریه ها از کدام محل باید داده شود آنهم باین قبیل اشخاص که از قراری بنده شنبه ام ششصد پارچه ملک دارد هر روز ما اینجا شهریه تصویب کنیم آنوقت در آخر سال دولت یک لایحه بیاورد که مثلا حقوق وزارت عدلیه یا معارف یا فلان وزارتخانه نرسیده و سه چهارم کرور کسر داریم و ناچار شویم یک مالیاتهایی برای این ملت فقیر تحمیل کنیم و دولت تومان برای این قبیل اشخاص شهریه بکنیم. از این جهت بنده باین لایحه و کلیه لوازمی که بالاخره در نتیجه تحمیل بر ملت می شود مخالفم. مخبر - برای اینکه رفع اشتباه از آقا بشود عرض میکنم که این شهریه درست تومان نیست و تقریباً شصت و چهار تومان است یعنی همان مبلغی است که به موجب تصویب کلی از مجلس چهارم از شهریه او کسر شده و اینکه فرمودند مجلس کجا است ؟ عرض میکنم تا محل این قبیل چیزها را دولت معین نکند کمیسیون بودجه آنرا تصویب نمیکند و مجلس هم از همان محل اعتبار شهریه و مستمریها است و اینکه فرمودید سیصد پارچه آبادی گمان میکنم صحت نداشته باشد مطابق تحقیقاتی که از اشخاص مطلع موثق در کمیسیون شد سیصد پارچه نیست بلکه سیصد پارچه هم نیست و وضعیت این شخص و خانواده این شخص در نهایت پریشانی است این بود که لازم دانستم بعرض مجلس برسانم **بعضی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است. **جمعی گفتند کافی نیست** **رئیس** - رای میگیریم. **آقای پالانکه** مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند **(جمعی برخاستند)** **رئیس** - معلوم میشود کافی است. **آقای المونی** (اجازه) **المونی** - انشاء الله در موقع خودش راجع بتمام شهریه ها که عنقریب بمجلس میاید بنده عقبه خودم را عرض خواهم کرد ولی امروز فقط چیزی را که میخواستم بعرض آقایان برسانم این بود که شمول این لایحه شهریه برای اشخاص معین میکنید این است که میگویند فقیرند

می شود. **رئیس** - (اینطور خوانده شد) پیشنهاد می کنم لایحه راجع به مجد السلطنه افشار از دستور امروز خارج شود. **رئیس** - رای می گیریم آقایانی که این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام فرمایند. **(جمعی برخاستند)** **رئیس** - تصویب نشد. آقای حائری زاده (اجازه) **حائری زاده** - بنده استدعا میکنم اگر صلاح بدانند لایحه راجع به محسوب داشتن مستمریات و مطالباتی که اشخاص متفرقه از دولت دارند در مقابل بدهی مالیاتی آنها قبل از دستور امروز مطرح شود چون مالیه مالیات را از آنها مطالبه می کند و اگر طلبی داشته باشند بطور معوقه می ماند. یک لایحه دولت در این باب تقدیم مجلس کرده و کمیسیون هم یک خبری داده است شور اولش هم هست چندان طول نخواهد کشید. آنرا جز دستور قرار دهند که تکلیفش معلوم شود. **رئیس** - رای می گیریم آقایانی که تقاضای آقای حائری زاده تصویب می کنند قیام فرمایند. **(اغلب قیام نمودند)** **رئیس** - تصویب شد. پیشنهاد دیگر (باین طریق خوانده شد) پیشنهاد می کنم خبر کمیسیون بودجه راجع بعقوق وراثت مرحوم مشاور الملک جزء دستور شود. **رئیس** - آقایانی که این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام فرمایند. **(چند نفری برخاستند)** **رئیس** - تصویب نشد. **آقای حائری زاده** ( این تقاضائی که کردید هنوز خبرش از کمیسیون جدید نیامده است **حائری زاده** - کمیسیون جدید موافق است **رئیس** - آقای شیروانی (اجازه) شیروانی - بنده خواستم پیشنهاد کنم همان دستوری که جلسه قبل معین کرده ایم همان را تعقیب کنیم و در ساعات وقت مجلس راتلف نکنیم. **(خبر کمیسیون بودجه راجع بشهریه مجد السلطنه افشار اینطور خوانده شد)** ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است از اول فروردین ۱۳۰۴ ماهی دو بیست تومان شهریه درباره آقای مجد السلطنه افشار از محل اعتبار شهریه و مستمریات پرداخت نماید.

بنده عرض میکنم این وجود از اشخاصی که گرفته میشود امروز با هالف صحرا و دوغ زند گانی میکنند تا یکدسته هم کسبه نوبی شهر هستند که با سبلی صورت خودشان را سرخ کرده اند. اگر بنا شود شهریه داده شود خوب است صبر کنید و این اشخاص یک قدری ملوفه بدهید تا چاق شوند بمسکه چاق شدند آنوقت این پولها را از آنها بگیرد و شهریه بدهید این شهریه ها همان شهریه های است که در دربار استبداد برای مردم قرار میدادند و این یک کنایه برای اشخاصی شد که قابل بخشایش نبود. امروز ما بصورت قانون در مبادوریم و برای این اشخاص شهریه تصویب میکنیم بنده مجد السلطنه را ابداً نمیشناسم و با او عداوتی هم ندارم فقط بواسطه مسؤلیت خودم این عرض را کردم **رئیس** - آقای ضیاء (اجازه) ضیاء - عرضی ندارم **رئیس** - آقای رهنما (اجازه) رهنما - بعضی از آقایان مخالفین شایعات و مسموعات خودشان را از این طریق یک اطلاعات قطعی میگیرند و از روی آن اطلاعات قضاوت میکنند **المونی** - محسوسات است. رهنما - یکی از آن موارد همین جا است. **فامیل مجد السلطنه** افشار یک فامیل نجیب خدمتگذاران باین مملکت میباشد و در راه آزادی این مملکت تمام دارائی خودش را داده است. در موقعی که پنجاه هزار تومان صد هزار تومان حقوق دیگران تصویب میکنند یک نفر که تمام دارائیش زیر چکمه سالدات روسی رفته است با او نمیشود گفت شهریه نگیر مجد السلطنه افشار یک نفر بیست که دارائیش رفته است. این کار اول پارلمان ایران نیست نواحی شمالی فرانسه که خراب شده دولت قرض می کند و قبل از اینکه پولش را از آلمانها بگیرد می رود بانها میبرد از آن که نواحی خراب شده آباد شود. آنوقت زیر بار یک قرض سنگین می افتند که فرانک دولت فرانسه از بیست و پنج فرانک میرسد به نود و پنج فرانک. چرا ؟ اینکار را میکنند. برای اینکه یک اشخاص شرافتمندی دار ایشان از بین رفته است و کلای پارلمان و زمامداران فرانسه فوق العاده اشخاص وطن پرست میباشد ولی چیزی که هست این را وظیفه خودشان میدانند که نگذارند یک نفر بی بار نابود شود و از بین برود شما یک مطالعات کلی دارید و جزء

محاسبات هم آورده اند البته يك روزی هم باید بگیرد ولی البته کسانی که خدماتی بملکت کرده اند و دارائشان در راه خدمت به مملکت از بین رفته است نمیشود به آنها گفت شهری نگیرد و با آنها مخالفت کرد البته کسی که ملک و آبادی داشته و در اثر اجافات و تجاوزات دولت خارجی دولت تزاری از بین رفته نمیشود باو گفت که ما نگاه میکنیم که تراز گرسنگی به میری و برای تو شهری معین نمیکنیم این يك منطلق صحیحی نیست ما باید این را تصویب کنیم

ولی وقتی که شما توانستید املاک او را گرفته و به اوسترد دارید آنوقت این کمک خرجی که در این مدت با داده اید از او پس بگیرد آنها هم البته این اندازه شرافتمند خواهند بود که این را پس بدهند ولی يك فامیل عزیز را نمیشود بازندگانی آنها بازی کرد يك فامیل شریف که زندگانی داشته اند و در نتیجه يك احساساتی را وانی او روی آن احساسات رفته است و امروزن وجه او دارند از بین میروند نمی شود با آنها مخالفت کرد.

مخالفتم با شخص نیست باین شهری ها است که پی در پی بمجلس میاید و تصویب می شود.

بنده يك اسنادی بدست آورده ام و میخواهم عرض آقایان برسانم که ببینند چه مالیتهائی از مردم بدبخت گرفته میشود که اینطور خرج بشود.

بنده نه مجد السلطنه را دیدم و نه او را میشناسم ولی اینکه آقا میفرمائید اینطور بدست شوق خارجی یعنی تزاری خراب شده است عرض میکنم خیلی اشخاص از ورود قشون تزاری خراب و خیلی ها هم آباد شده اند.

خوبست از آنها که آباد شده اند بگیرند و باین اشخاصی که خراب شده اند بدهند بنده را همه کس میشناسد که آدم لثیم هست فطرتی نیست که از شهری که در باره کسی برقرار شود بدم بیاید ولی این در صورتیست که شخص داشته باشد.

این قبوضائی است که در مقابل مالیات مردم داده اند از کره یا نقد دینار زهتی که يك من یا نیم من کوره به قصد سنقر وارد میکند یا نقد دینار از او میگیرند اینهم قبض است به حضرت آقای آقاریس میدهم ملاحظه فرمائید.

بیله وری پنجقران همه میدانند که يك نفر بیله و رسر مابه اش دو تومان بیشتر نیست که پنجقران ازش میگیرند يك تخته قالی در داخله دوقران اینهم قبض است قالی آورده است توی شهر فروشد دوقران ازش میگیرند نواقول هم میگیرند ولی هیچ به صرف بدی نمی رسد مابدا اینجا در طهران خرج همیشه میشود مالیات قندوچای میگیرند اگر کسی پنج من قند بخرد بیايد چهارقران بدهد اینهم قبض است بنده نمیگویم شهری ندهند.

البته باید بدهند ولی در صورتی که باشد.

آنوقت دولت هر طور مرحمت کند جا دارد آقایان نمایندگان دوره پنجم يك جزئی بار از دوش مردم برنداشته و روز بروز این مالیات ها هم در تراز است و این مالیاتها هم يك مالیاتهای نیست که از قدیم باقی مانده باشد يك مالیاتهای جدیدی است آقایانی که در کمیسیون عرایض عضویت داشته اند مسیوقند که چقدر شکایات از مردم میرسد و اصلاح گوش به آنها هم داده نمیشود.

مخالفت بنده از این راه است.

اینهم قبوضات آن ها است اینهم يك

نوشته است که جمعی مهر کرده اند مثلا مالیات بونه میگیرند . یکنفر که می رود از بیابان خارجی آورده بخازی بفروشد از او مالیات میگیرند . مالیات جاروب میگیرند تا چه رسد بچیزهای دیگر در این صورت در مقابل این مالیاتها نباید این خرجها را بکنیم.

حالا بنده کنار دارم که مجد السلطنه مستحق است و باید این شهر به او داده شود یا نشود این قبوضات را هم تقسیم مقام رباست میکنم.

بنده رسیده است قرائت میشود . شرح ذیل قرائت شد بواسطه اینکه ماده واحده صحیحاً تنظیم نشده است پیشنهاد می کنم که از دستور خارج و بکمیسیون بودجه ارجاع شود تا اصلاح شده تانیاً تقدیم مجلس شود .

رئیس - آقای تدین .

پیشنهاد دولت دوست تومان شهری نبوده است تفاوت عمل و مابه الاختلاف شصت و پنج تومان باین وجه بنده ماده واحده باید اینطور تنظیم شود که شصت و پنج تومان علاوه بر شهری که سابق مجلس تصویب کرده است تصویب میشود نه دوست تومان باین جهت بنده اینطور پیشنهاد کردم که این ماده بر گردد بکمیسیون صحیحاً تنظیم شده و تقدیم مجلس شود .

رئیس - آقای طهرانی - اولاً اصلاحی که کمیسیون میخواهد میکند ممکن است علی العجاله بکند و همین بیاناتی که آقای تدین فرمودند خودش بمنزله اصلاح عبارتی بود و چیزی بیک ساعت گفتگو شده و حقایق هم معلوم است دیگر جهت ندارد و بجلسه دیگر برفتد .

رئیس - رأی میگیریم آقایانی که پیشنهاد آقای تدین را تصویب می کنند قیام فرمائید .

(جمع کنیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

خبر کمیسیون بودجه راجع به مستخدمین بلژیکی مطرح است باید خاطر آقایان را مستحضربدارم که کمیسیون خارج بودجه در این باب رائتی ندهاده است با این حال آیا باید لایحه مطرح شود یا نه؟

رئیس - تصویب شد .

شیر وانی - بنده تصور نمی کنم که لازم باشد زیرا لایحه می رود بکمیسیون خارج برای تمین بلیت اینها يك اشخاصی هستند که سرکار و مشغول خدمت هستند و کثیراتشان هم سابقاً بکمیسیون خارج رفته است و کمیسیون هم تصویب کرده حالا

مجانناً يك کمیسیون اکتفا شود و الا سابقه بی خواهد شد

رئیس - رأی میگیریم که جزو دستور شود یا نه؟

آقایانی که تصویب میکنند که جزو دستور شود قیام فرمائید .

(مده کمی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد .

راجح بقاضائی که آقای حائری زاده کرده بودند کمیسیون قوانین مالیه تشکیل شده و رایرت داده است قرائت میشود به تکلیفش معین خواهد شد .

(بشر ذیل قرائت شد)

بتاریخ سوم خرداد کمیسیون قوانین مالیه با رایرت نمره ۴ تقدیمی کمیسیون امین راجع به محسوب نمودن مستمیری و شهری در مقابل مطالبات همان سنه موافقت مینماید .

ولی چون کمیسیون قوانین مالیه در آن نظر نکرده و رایرت نکرده بود از این جهت از دستور خارج شد راست است که این اشخاص فعلاً سر خدمت هستند اگر بنا شود بهمین حال این لایحه مطرح شود سابقه بدی خواهد بود زیرا کمیسیون خارجه نسبت بلوا یح استخدام مستخدمین خارجه باید امان نظر کند ممکن است کمیسیون است کمیسیون سابق باین اشخاص عقیده داشته باشد ولی کمیسیون جدید عقیده نداشته باشد لذا از نقطه نظر سابقه بنده معتقدم که این لایحه امر از دستور خارج شود کمیسیون خارجه ممکن است بطور فوق ماده تشکیل شود و در اونظر کند بمجلس بیايد و سابقه بدی در مجلس پیش خواهد آمد .

رئیس - رأی میگیریم که جزو دستور شود یا نه؟

سلطانی - نمی شود رای گرفت یکنفر از اینها تازه باید کنترلتان شود و کمیسیون خارجه نظر خود را باید بگوید

رئیس - پس اجازه میفرمائید تشکیل شود تا کمیسیون خارجه تشکیل شود و در این باب نظریه خود را بگوید بعد از میگیریم .

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - چون تشکیل کمیسیون خارجه ممکن نشد . تکلیف این لایحه معین شود یا از دستور خارج شود .

آقای سید یعقوب - اجازه می فرمائید .

رئیس - بفرمائید .

آقا سید یعقوب - راجع به قضیه بنده عقیده ندارم مطرح شود بواسطه اینکه بنده سابقاً بکمیسیون خارج هستم که سرکار و مشغول خدمت هستم و کثیراتشان هم سابقاً بکمیسیون خارج رفته است و کمیسیون هم تصویب کرده حالا

رئیس - رأی میگیریم که جزو دستور شود یا نه؟

سلطانی - نمی شود رای گرفت یکنفر از اینها تازه باید کنترلتان شود و کمیسیون خارجه نظر خود را باید بگوید

رئیس - پس اجازه میفرمائید تشکیل شود تا کمیسیون خارجه تشکیل شود و در این باب نظریه خود را بگوید بعد از میگیریم .

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - چون تشکیل کمیسیون خارجه ممکن نشد . تکلیف این لایحه معین شود یا از دستور خارج شود .

آقای سید یعقوب - اجازه می فرمائید .

رئیس - بفرمائید .

آقا سید یعقوب - راجع به قضیه بنده عقیده ندارم مطرح شود بواسطه اینکه بنده سابقاً بکمیسیون خارج هستم که سرکار و مشغول خدمت هستم و کثیراتشان هم سابقاً بکمیسیون خارج رفته است و کمیسیون هم تصویب کرده حالا

دیگر اینکه مجلس موقتاً رأی بدهد که يك چیزی بگوید باید بگویم کمیسیون

است که يك اشخاصی بکمیسیون شهری یا مطالبات شخصی از دولت داشته اند در مقابل آن از باب همان سنه یا سنوات قبل يك مالیاتی بدولت بدهکارند و بهمین ملاحظه که از دولت طلبکارند مالیات خودشان را نپرداخته اند و همینطور محاسبات آنها موقوف مانده

وزارت مالیه در آن موقع که بتفریح محاسبات موقوفه کلبه ایالات و ولایات پرداخته باین اشکال بر خورده و خواسته است محاسبات اشخاص را تصفیه کند و چون این کار محتاج تحصیل اجازه از مجلس شورای ملی بوده اند

لذا این لایحه را تقدیم مجلس نمود و مطابق قانون و نظامنامه بدو کمیسیون مالیه و بودجه ارجاع شد

و دو فقره رایرت هم از کمیسیون قوانین مالیه بودجه در این باب تقدیم شد و تفاوتی که بین دو رایرت است بنده بعرض مجلس میرسانم .

ماده ۱ - وزارت مالیه مجازات مستمیری و شهری و حقوق اداری معوقه و یا سلب شخصی اشخاص را از دولت از باب بدهی مالیاتی همان اشخاص راجع به همان سنه یا سنوات قبل محسوب دارد ولی انتقال و واگذاری مستمیری یا شهری یا طلب شخصی اشخاص را در مقابل بدهی مالیاتی آنها از باب همان سال محسوب کند .

این که عرض شد رایرت کمیسیون بودجه بود

ولی کمیسیون قوانین مالیه رایرتی که می دهد يك تفاوتی با رایرت کمیسیون بودجه دارد و آن اینست که حقوق اداری و طلب های شخصی مردم را همه ضمیمه میکند

یعنی اگر يك کسی در سنوات گذشته مستمیری یا شهری به حقوق اداری یا طلب شخصی از دولت داشته دولت می تواند آن را از باب بدهی مالیاتی همان شخص از باب همان سنه محسوب دارد

و در حال این اشکالاتی را که فرمودند پیش نمی آید و این در واقع يك تصفیه حسابی است که از محاسبات گذشته میشود و باعث می شود که در سیه و مکانات طولانی که در وزارت مالیه در این خصوص رد و بدل می شود از بین برود و وزارت مالیه محاسبات اشخاصی را که بموجب این اجازه نامه تصفیه خواهند نمود و رفع آن اشکالات می خواهد شد

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده موافقم

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بکطرف این لایحه بقرینه بنده خرج است یعنی هم بطوری بوزارت مالیه اجازه می دهیم که يك خرجهای بکنند و بنده تصور میکنم این قضیه را قانونی

مخیر - برای اینکه شاید اغلب آقایان این لایحه که الان مطرح است خدمتشان نبوده است و درست اطلاع ندارند لازم است بنده توضیحاتی عرض کنم تا مطلب کاملاً معلوم شود و در ضمن رفع شبهه آقای شوشتری هم بشود

در این باب از طرف دولت يك پیشنهادی بجلسه شد و مفاد آن پیش نهاد این

و نظامنامه نداشته باشد که ما بدون تعیین مبلغ اجازه بدهیم که وزارت مالیه يك خرجهای بکند یعنی يك پولی که مالیات دولت است و باید وزارت مالیه از يك اشخاصی بگیرد يك قسم خرجی است این یکی از جهات مخالفت شده است

جهت دوم مخالفت بنده این است که این طریق لایحه بمجلس آوردن و از تصویب مجلس گذراندن بمقیده بنده سابقه خوبی نیست

زیرا دادن يك اجازه که نمی دانیم چه قدر خرج می شود چه قدر عاید می شود و محسوب داشتن مالیات بدهی اشخاص از باب يك محاسبات و طلبهایی که اصلاً نمی دانیم چیست و از چه باب است بمقیده بنده خوب نیست

و مفاد این رایرت کمیسیون قوانین مالیه این است که هر کسی يك ادعائی از دولت دارد وزارت مالیه مجاز باشد که مالیات او را از باب این ادعا بار ببخشد

در این مملکت ما هم کاغذ پاره اسناد کهنه درج بوقل اشخاص بقدری زیاد است که فردا يك اداره مقضی برای اینکار در وزارت مالیه باید تأسیس کنند و يك هیئتی باید بنشینند و باین اسناد و کاغذها و رسیدگی کنند و این چیز عجیبی خواهد بود

و بمقیده بنده هیچ تاکنون سابقه ندارد که اینطور لایحه در مجلس تصویب شده باشد که وزارت مالیه مجاز باشد هر کسی يك ادعای طلبی از دولت میکند مالیات و بدهی قانونی او را در مقابل باو ببخشد و از او نگیرد

در کدام محکمه ما تشخیص میدهم که این ادعا ماصحیح و بجا است؟ در کجا این مطالبات ثابت شده است که حالا از باب بدهی مالیاتی آنها محسوب شود؟ بالاخره همینطور که سایر دعاوی و مطالباتی که مردم از یکدیگر دارند باید از يك محکمه حکم صادر شود تا مدیون دین خودش را کار سازی کند این مطالبات و دعاوی هم باید در يك محکمه ثابت بشود و حکم صادر شود تا تأدیبه آن ممکن باشد

ممكن است وزارتخانه بر طبق این اجازه مجلس مطابق اواده و میل خودش طلب يك کسی را صحیح بداند و مالیات او را باو ببخشد و طلب دیگری را صحیح نداند و مالیات او را ببخشد

بنده مخالف نیستم که يك لایحه بمجلس بیايد که تکلیف مطالبات مردم را از دولت معلوم و بنده خودم یکی از اشخاصی هستم که همیشه طرفدار این بوده ام که تکلیف مطالبات مردم از دولت باید معین شود

ولی با آن ترتیب که از باب مالیات حساب کنند مخالفم برای اینکه ممکن است يك کسی يك کاغذ پاره مال چهل سال پیش

را بیاورد و بگوید بموجب این ورقه من از دولت طلبکارم و مالیات نباید بدهم بنده عقیده دارم که این لایحه باید برگردد بکمیسیون و در آنجا دقت بیشتری شده و مواد مشروح تری نوشته شود تا بتوان باورای داد

معاون وزارت مالیه نظر آقای شیروانی از حیث اینکه مواظبت بشود که مال دولت بعنوانی تقریباً نشود خیلی صحیح است

والته همه مجلس این نظر را خواهند داشت و وزارت مالیه هم از اجاظ اینکه يك مؤسسه ایست برای تصفیه این قبیل امور همین نظر و همین دقت را خواهد داشت ولی این مطلب شامل يك اصل مسلمی است و آن عبارت از این است که اعتبار دولت را پای نجوگان باید محفوظ داشت تا اکنون شاید این اصل چندان رعایت نمیشود

والته دولت همیشه در صدد بوده است که يك ترتیبی در اینکار بدهد و وسائل فراهم نبوده است

ولی حالا وسائل و اسباب این کار تا درجه مقدور شده و ترتیباتی برای تصفیه محاسبات معوقه علی العجاله در نظر گرفته شده

این است که دولت بیشتر مجد است که بوسیله تفریح محاسبات اعتبار دولت را معفوظ بدارد

و این يك اصلی است که البته بمجلس هم كاملاً رعایت خواهد نمود

چنانچه اینجا مکرر اتفاق افتاده که راجع به بعضی دعاوی از طرف ارباب طلب و حقوق عریضی بمجلس داده شده و بدهی است که نظر مجلس هم همین بوده که هر چه زودتر این کار تصفیه شود

حالا باید دید وزارت مالیه نسبت باین موضوع دقت کامل خواهد شد یا نه؟

اولاً مقصود از این لایحه این است که تا دو سه سال قبل در وزارت مالیه معمول بوده است

حوالجاتی از باب حقوق سنواتی اشخاص در مقابل مالیات آنها صادر و محاسبه میشده

یعنی در واقع وزارت مالیه بکقدر از عملیاتش عبارت بوده از حرکت يك کاغذهایی در هوا و قبض و اقباض نسبت بيك اشخاص و این کار علاوه دست دوات را تنگ میکرد

خیلی هم مشکل بود و اگر هم فرضاً ادارات دولت از عهده انجام این کار بر میآمدند

یکمده اعضاء و اجزاء زیاد و دفاتر و لوازم و اوراق لازم بود که باین کار رسیدگی کنند

و این امر را باید هر چه زودتر خانه

و نظامنامه نداشته باشد که ما بدون تعیین مبلغ اجازه بدهیم که وزارت مالیه يك خرجهای بکند یعنی يك پولی که مالیات دولت است و باید وزارت مالیه از يك اشخاصی بگیرد يك قسم خرجی است این یکی از جهات مخالفت شده است

جهت دوم مخالفت بنده این است که این طریق لایحه بمجلس آوردن و از تصویب مجلس گذراندن بمقیده بنده سابقه خوبی نیست

زیرا دادن يك اجازه که نمی دانیم چه قدر خرج می شود چه قدر عاید می شود و محسوب داشتن مالیات بدهی اشخاص از باب يك محاسبات و طلبهایی که اصلاً نمی دانیم چیست و از چه باب است بمقیده بنده خوب نیست

و مفاد این رایرت کمیسیون قوانین مالیه این است که هر کسی يك ادعائی از دولت دارد وزارت مالیه مجاز باشد که مالیات او را از باب این ادعا بار ببخشد

در این مملکت ما هم کاغذ پاره اسناد کهنه درج بوقل اشخاص بقدری زیاد است که فردا يك اداره مقضی برای اینکار در وزارت مالیه باید تأسیس کنند و يك هیئتی باید بنشینند و باین اسناد و کاغذها و رسیدگی کنند و این چیز عجیبی خواهد بود

و بمقیده بنده هیچ تاکنون سابقه ندارد که اینطور لایحه در مجلس تصویب شده باشد که وزارت مالیه مجاز باشد هر کسی يك ادعای طلبی از دولت میکند مالیات و بدهی قانونی او را در مقابل باو ببخشد و از او نگیرد

در کدام محکمه ما هم کاغذ پاره اسناد کهنه درج بوقل اشخاص بقدری زیاد است که فردا يك اداره مقضی برای اینکار در وزارت مالیه باید تأسیس کنند و يك هیئتی باید بنشینند و باین اسناد و کاغذها و رسیدگی کنند و این چیز عجیبی خواهد بود

و بمقیده بنده هیچ تاکنون سابقه ندارد که اینطور لایحه در مجلس تصویب شده باشد که وزارت مالیه مجاز باشد هر کسی يك ادعای طلبی از دولت میکند مالیات و بدهی قانونی او را در مقابل باو ببخشد و از او نگیرد

مخیر - برای اینکه شاید اغلب آقایان این لایحه که الان مطرح است خدمتشان نبوده است و درست اطلاع ندارند لازم است بنده توضیحاتی عرض کنم تا مطلب کاملاً معلوم شود و در ضمن رفع شبهه آقای شوشتری هم بشود

در این باب از طرف دولت يك پیشنهادی بجلسه شد و مفاد آن پیش نهاد این

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده موافقم

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بکطرف این لایحه بقرینه بنده خرج است یعنی هم بطوری بوزارت مالیه اجازه می دهیم که يك خرجهای بکنند و بنده تصور میکنم این قضیه را قانونی

مخیر - برای اینکه شاید اغلب آقایان این لایحه که الان مطرح است خدمتشان نبوده است و درست اطلاع ندارند لازم است بنده توضیحاتی عرض کنم تا مطلب کاملاً معلوم شود و در ضمن رفع شبهه آقای شوشتری هم بشود

در این باب از طرف دولت يك پیشنهادی بجلسه شد و مفاد آن پیش نهاد این

و نظامنامه نداشته باشد که ما بدون تعیین مبلغ اجازه بدهیم که وزارت مالیه يك خرجهای بکند یعنی يك پولی که مالیات دولت است و باید وزارت مالیه از يك اشخاصی بگیرد يك قسم خرجی است این یکی از جهات مخالفت شده است

جهت دوم مخالفت بنده این است که این طریق لایحه بمجلس آوردن و از تصویب مجلس گذراندن بمقیده بنده سابقه خوبی نیست

زیرا دادن يك اجازه که نمی دانیم چه قدر خرج می شود چه قدر عاید می شود و محسوب داشتن مالیات بدهی اشخاص از باب يك محاسبات و طلبهایی که اصلاً نمی دانیم چیست و از چه باب است بمقیده بنده خوب نیست

و مفاد این رایرت کمیسیون قوانین مالیه این است که هر کسی يك ادعائی از دولت دارد وزارت مالیه مجاز باشد که مالیات او را از باب این ادعا بار ببخشد

در این مملکت ما هم کاغذ پاره اسناد کهنه درج بوقل اشخاص بقدری زیاد است که فردا يك اداره مقضی برای اینکار در وزارت مالیه باید تأسیس کنند و يك هیئتی باید بنشینند و باین اسناد و کاغذها و رسیدگی کنند و این چیز عجیبی خواهد بود

و بمقیده بنده هیچ تاکنون سابقه ندارد که اینطور لایحه در مجلس تصویب شده باشد که وزارت مالیه مجاز باشد هر کسی يك ادعای طلبی از دولت میکند مالیات و بدهی قانونی او را در مقابل باو ببخشد و از او نگیرد

در کدام محکمه ما هم کاغذ پاره اسناد کهنه درج بوقل اشخاص بقدری زیاد است که فردا يك اداره مقضی برای اینکار در وزارت مالیه باید تأسیس کنند و يك هیئتی باید بنشینند و باین اسناد و کاغذها و رسیدگی کنند و این چیز عجیبی خواهد بود

و بمقیده بنده هیچ تاکنون سابقه ندارد که اینطور لایحه در مجلس تصویب شده باشد که وزارت مالیه مجاز باشد هر کسی يك ادعای طلبی از دولت میکند مالیات و بدهی قانونی او را در مقابل باو ببخشد و از او نگیرد

دیگر اینکه مجلس موقتاً رأی بدهد که يك چیزی بگوید باید بگویم کمیسیون

داد و خورده خورده کارادارات و مخصوصاً مؤسسات مالیه باید بجای برسد که بتوانند یکتدیری بیشتر بکارهای اساسی بپردازند و موفق شوند که کار روزانه خود را که عبارت از جمع آوری مالیات و عایدات و موازنه جمع و خرج در حدود بودجه و تنظیم دفاتر و اتصالیات امور و غیره است انجام دهند و بنهه بصفت یکتدفیری که از نزدیک این قبیل مسائل را تماشا میکند خیلی خوشوقتیم که مجلس این قبیل لواجی که میتواند خورده باشی کارها را از بین برد اهمیت میدهد زیرا نصفه این محاسبه سبب خواهد بود که وزارت مالیه بکارهای اساسی خود بپردازد و ارباب حقوق و مستمری و شهریه هم یکمده مردمی هستند که (باستحقاق یابی استحقاق) در هر صورت خود را ذبیح می دانند و دولت باید یک حقوقی بآنها بدهد و آنها هم همیشه خود را مطالب میدانند و مطالبه حق خودشان را از دولت می کنند و همیشه مزاحم دولت و مجلس و مقامات دیگر هستند و چون اغلب این مالیات بده مستند

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی می دانند؟  
جمعی از نمایندگان - بلی  
رئیس - باید رأی گرفته شود برای شور در مواد.  
آقایانیکه شور در مواد را تصویب می کنند قیام فرمایند.  
( اکثر نمایندگان قیام نمودند )  
رئیس - تصویب شد.  
ماده اول قرائت می شود.  
( بمضمون سابق قرائت شد )  
رئیس - آقای شیروانی ( اجازه )  
شیروانی - تقریباً یکساعت قبل در اینجا موضوع یک شهریه مطرح بود و بنده حقیقتاً خوشوقت شدم که مجلس یک حرارت فوق العاده زیاد و مهجوسی نشان داد بر اینکه پول مفت باشخص نباید داد و باید اینکه یکی از نمایندگان هم در اینجا توضیحی دادند باز هم مجلس قانع نشد و بنده هم یکی از آن اشخاص بودم که گرای نمودم چنانچه بهیچ منتهی و شهری بنده رأی ندادم

موقوفه مانده؟  
و چرا تا کنون به آنها داده نشده است که حالا می خواهند در مقابل مالیات با دولت محسوب کنند؟  
معنی این عبارت این است که هر کسی که مالیات بده است و شهریه دارد و عبارت آخری مفت خورد است مالیات از او نگیرند ولی هر کسی که شهریه و مستمری ندارد توی سرش بزند و از او مالیات بگیرند فرمودند یک اشخاصی هستند که از دولت یک مطالباتی دارند بنده هم تصدیق دارم که برای حفظ اعتبار دولت همینطور که آقای معاون وزارت مالیه فرمودند باید طلب مردم را داد.

حالا آقایان می خواهند باین لایحه رأی بدهند  
حائری زاده - شور اول است پیشنهادی دارم بفرمایید برود بکمیسیون رئیس - آقای عظیمی ( اجازه )  
عظیمی - عرضی ندارم رئیس - آقای آقا سید یعقوب هم موافقت  
آقا سید یعقوب - خبر مخالفم رئیس - در هشتم سرطان موافق بودید  
آقا سید یعقوب - حالا برگشتم و مخالف شدم رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا ( اجازه )  
محمد هاشم میرزا - بنده مخالفم رئیس - آقای دستغیب ( اجازه )  
دستغیب - عرضی ندارم رئیس - آقای دکتر آقاییان ( اجازه )  
دکتر آقاییان - آقای شیروانی مخالفتی کردند و دلایل مخالفتشان بعنوان اشتراکی و احتیاجی بود قضایا را بایستی در اینجا تجزیه کنیم یک وقتی قضیه را می خواهم از نقطه نظر اجتماعی حل کنیم آنوقت حضرت مستطابا یابیکی از ماها حق دارد بگوید بکسی نباید حقوق داد اگر باو نباید حقوق داد آن امری است علیحدده ولی این لایحه که تقدیم مجلس شده است از نقطه نظر حقوقی است و کاملاً عادلانه است اگر مجلس شورای ملی این اصل را قبول دارد که مستمری و شهری به حقوق اختصاصی یک اشخاص معینی است بنا بر این اشخاص معین از دولت طلب کارند و اگر یک کسی از دولت طلب دارد نباید طلبش را بهش بدهند و این قانون هم می گویند باید طلب مردم را داد و صحیح هم هست بنا بر این نسبت بقسمتی که راجع به مستمری و شهری بگیرا است اصلان درین نیست و از نقطه نظر اصول حقوقی هم میشود مخالفت کرد اما اینکه ممکن است اشخاصی مطالباتی ( همانطور که آقای شیروانی فرمودند ) پوسیده و قدیمی داشته باشند که میخواهند مقابل بدهیشان محسوب بدارند این نکته را که فرمودند قسمت نقضی آن را هم چند دقیقه بعد فرمودند و همان مثالی بود که راجع باقاییان که در مجلس متحصن هستند زدند این آقایان که در مجلس هستند خود آقا تصدیق فرمودند طلب دارند این بهترین دلیل است که دولت طلب مردم را نمیدهد یا نمی خواهد بدهد

بند دوازده را در نظر دارم یکی این است که ما در دوره چهارم در همین مجلس یک قانونی گذرانیدیم که آن قانون خزانه داری است که بایک شرف و شادمانی آن را گذرانیدیم و گفتیم که میخواهیم در تحت این قانون عایدات را تمرکز بدهیم بچه معنی؟  
بمعنای اینکه این جزئیاتی که هر کسی در ملک خودش حکومت داشته باشد ازین برود و نفوذ دولت و اوامر دولت در تمام اقطار مملکت حتی نسبت بدهات و قصبات هم جاری شود و عواید از مزایای خزانهداری وصول شود و از آنجا هم بیرون بیاید و خرج شود و یک کسی پیش خودش یک دفتر می درست نکند و بر حسب دفتر خودش بامور مالیه بگوید من خرج و دخل کردم این است مواجب من و این است مواجب آقا زاده من و این است حقوق نوکر من این هم حقوقی است که دولت برای من برقرار نموده آنوقت همان دفتر من شود از برای تفریح حساب در وزارت مالیه ما خواستیم بواسطه قانون خزانه داری عایدات تمرکز پیدا کند و عواید تماماً وارد شود بخزانه دولت و از خزانه دولت هم خارج شود و اصول سابقه را بکلی ازین بریم مالیه آوردیم که مواظبت کند راجع باین قضیه این یک مسئله مسئله دوم این است که آقایان ملاحظه فرمایند تواریخ ایران را که از ابتداء مبدأ قبول و سیوزعال از همین جا شروع شده است هی آمده اند در دربار خدمت کرده اند و واقعه خدمت کرده اند و اینک خدمت نکرده باشند آنوقت فرمان گرفته اند که در مقابل خدمات صادقانه فلان سر کرده به قبول بیدی و سیوزعال سمردی فلان مالیات را واگذار کرده اند یا مواجبی برقرار نموده اند مثلا صد خرورار کنتم پنجاه خرورار جو و فلان مبلغ نقد را از محل فلان ده باو واگذار کرده اند وقتی که تاریخ را نگاه کنیم می بینیم مبدأ قبول و سیوزعال و این حقوق از همین جا شروع شده است در دوره جدید تغییراتی که شده این است که این اصول ملوک الطوائفی جزئی جزئی که هر کس در ملک خودش یک سلطنتی داشته باشد گفتند باید از بین برود و دولت عایدات آنجا را بگردد و وارد خزانه خودش بکند و از خزانه خودش هم بدهد و آن شخص قادر نباشد با مردم و رعایای دولت آنطور سلوک بکند بعبارت اخیری رعایا را دولت پرست کنند مالک پرست دولت باید قادر باشد رعایای خودش را حفظ کند و این اصول را بر اندازد تا

قدرت پیدا کند معنای دولت مرکزی این است که هرش کردم هر عادت زشتی که در این مملکت برقرار شد در اولش جزئی بوده آن را جلو بگیریم نکرند کم کم آن جزئی کم می شده همه شما هم بامن هم عقیده هستید که عنوان تیول و سیوزعال بدعنوانی است و باید مرکزیت بدولت داد عرض می کنم همین جزئیات ما را بر می گرداند ب همان حالتی که خواستیم از آن حالت خودمان را تغییر بدهیم این است نظر مخالفت بنده نظر دیگر این است که آقای شیروانی بیان کردند که صورت حقوق و مستمریات و شهریه امسال را هنوز وزارت مالیه نتوانسته است بمجلس بفرستد و صورت شهریه را منضبط و مرتب کند و از تصویب مجلس بگذراند یک چیزی را که هنوز مجلس تصویب نکرده است چه طور ما اجازه بدهیم وزارت مالیه که بر شهریه که هنوز تصویب نشده تو حساب کن باید تصویب شود آنوقت برود حساب کند اینها است نظریات بنده در این ماده و این است نظر مخالفتم راجع باین لایحه مخیر - بنده تعجب می کنم که در یک مسئله باین سادگی این مطالب را آقای آقا سید یعقوب از کجا پیدا کردند و بیان نمودند زیرا این نمره بوط بتدریج عایدات است نه مربوط بتیول و آن کلمه دیگری که فرمودند و نمره بوط بتصویب شهریه و مستمریها که مانع تصویب کرده بانکرده باشیم گمان می کنم از خاطرها فراموش شده باشد در لایحه که در اوائل این دوره دولت تقدیم کرده بود کاملاً این مسئله را در آن لایحه تشریح کرده بودند باینکه ماده پنج قانون محاسبات عمومی مصوبه ۲۱ صفر ۱۳۲۹ می گوید که اعتبارات کل باجز هزینه کتاروز آخر موقع خرج پیدا نکرده باشد برگشت می کند حالا فرض بفرمائید که یک مستمریات مصوبه اولاً مربوط بتیول و سیوزعال که فرمودید نیست تمام مصوبه مجلس است و ما حرف از مصوبه مجلس می زنیم یعنی کتاب قوی تبیل ۱۳۲۸ مقصود آن مستمری و شهریه هائی است که مجلس اول از آن تاریخ وضع کرده پس اینها مربوط بتیول و سیوزعال نیست تصور بفرمائید در سنه لوی تبیل گذشته در فارس خودتان یک مستمریاتی بوده که در حق بعضی اشخاص برقرار بوده و در آخر سال (بواسطه مخارج لازم فوری که بیشتر لازم بوده تاپرداخت مستمریها) پرداخت نشده است آن مستمریها و آن اشخاص هم که مستمری داشته اند یک مقداری از مالیاتشان

را زمین گذاشته اند باصلاح مالیه باین موقوفه مطالبه مانده است و مستمری خودشان را هم نکرده اند یعنی این حساب بانام مانده است همینطور در تمام ایالات و ولایات و در مرکز این قبیل موقوفه ها هست در این سنوات وزارت مالیه یا مجال نکرده بود که باین حسابهای موقوفه رسیدگی نماید یا بنخواست است از دوسال قبل که باین فکر افتاده اند دیدند یکی از چیزهائی که فوق العاده وزارت مالیه را مشغول داشته است این مسئله است همیشه باید وزارت مالیه یک اداره بقایا بایک شمع بقایا یا شعب وظایف داشته باشد که معلوم شود در سالهای پیش چقدر مستمری چه اشخاصی طلب کارند و در مقابل چه اشخاصی بده کارند که این محاسبات را تصفیه کند و این چیزهائی را هم که آقای شیروانی گفتند باید نیست اگر یک کسی از چهل سال پیش باید مطالبه مستمری بکند ابداً یکشاهی باو نمی دهند مقصود از مستمری که گفته میشود مستمریات مصوبه مجلس شورای ملی است مقصود از مستمریات مستمریات عهد دقیانوس نیست آنوقت وزارت مالیه خواست این محاسبات را تصفیه کند یعنی یک کسیکه مستمری داشته است در پنج سال قبل یا هشت سال قبل و در آن سال هم نرخ مستمری مثلا بموجب تصویب نامه های دولت یک تومان بوده است یا دو تومال بوده است به نرخ همان سال اگر مالیاتی بده دارند این را حساب و تصفیه کنند که دیگر این از قلم بقایا برداشته بشود و از مستمریات حذف شود که هده خودشان را طلب کار دولت ندانند و دولت هم دیگر بده کار نباشد و یک حساب هائی را هم که منشاء و مأخذ و معنائی ندارد در حساب خودش ننویسد و این حسابها را بکلی تسویه کنند آنوقت (ماده پنج قانون محاسبات عمومی) دیدند بدون تصویب مجلس شورای ملی نمی توانند این محاسبات را تفریح کنند و این اشکالاتی را که آقا و آقای شیروانی اظهار کردند بنده ابداً در این لایحه نمی بینم و نه قصد دولت این بوده و نه قصد کمیسیون بلزم برای رفع اشکال و برای استحکام مطلب اگر چیزی بنظر نامیرسد بفرمائید ما قبول می کنیم والا اصل مطلب این است (جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است) رئیس - کافی است بعضی از نمایندگان - بلی رئیس - بیهوده ها قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

بند دوازده را در نظر دارم یکی این است که ما در دوره چهارم در همین مجلس یک قانونی گذرانیدیم که آن قانون خزانه داری است که بایک شرف و شادمانی آن را گذرانیدیم و گفتیم که میخواهیم در تحت این قانون عایدات را تمرکز بدهیم بچه معنی؟  
بمعنای اینکه این جزئیاتی که هر کسی در ملک خودش حکومت داشته باشد ازین برود و نفوذ دولت و اوامر دولت در تمام اقطار مملکت حتی نسبت بدهات و قصبات هم جاری شود و عواید از مزایای خزانهداری وصول شود و از آنجا هم بیرون بیاید و خرج شود و یک کسی پیش خودش یک دفتر می درست نکند و بر حسب دفتر خودش بامور مالیه بگوید من خرج و دخل کردم این است مواجب من و این است مواجب آقا زاده من و این است حقوق نوکر من این هم حقوقی است که دولت برای من برقرار نموده آنوقت همان دفتر من شود از برای تفریح حساب در وزارت مالیه ما خواستیم بواسطه قانون خزانه داری عایدات تمرکز پیدا کند و عواید تماماً وارد شود بخزانه دولت و از خزانه دولت هم خارج شود و اصول سابقه را بکلی ازین بریم مالیه آوردیم که مواظبت کند راجع باین قضیه این یک مسئله مسئله دوم این است که آقایان ملاحظه فرمایند تواریخ ایران را که از ابتداء مبدأ قبول و سیوزعال از همین جا شروع شده است هی آمده اند در دربار خدمت کرده اند و واقعه خدمت کرده اند و اینک خدمت نکرده باشند آنوقت فرمان گرفته اند که در مقابل خدمات صادقانه فلان سر کرده به قبول بیدی و سیوزعال سمردی فلان مالیات را واگذار کرده اند یا مواجبی برقرار نموده اند مثلا صد خرورار کنتم پنجاه خرورار جو و فلان مبلغ نقد را از محل فلان ده باو واگذار کرده اند وقتی که تاریخ را نگاه کنیم می بینیم مبدأ قبول و سیوزعال و این حقوق از همین جا شروع شده است در دوره جدید تغییراتی که شده این است که این اصول ملوک الطوائفی جزئی جزئی که هر کس در ملک خودش یک سلطنتی داشته باشد گفتند باید از بین برود و دولت عایدات آنجا را بگردد و وارد خزانه خودش بکند و از خزانه خودش هم بدهد و آن شخص قادر نباشد با مردم و رعایای دولت آنطور سلوک بکند بعبارت اخیری رعایا را دولت پرست کنند مالک پرست دولت باید قادر باشد رعایای خودش را حفظ کند و این اصول را بر اندازد تا

همین دلیل که خودشان را ذی حق می دانند مالیات خودشان را نمی دهند و نگاه میدارند حالا ملاحظه فرمائید وزارت مالیه برای اینکه از این اشخاص مالیات خودش را وصول کند چقدر اوراق و کاغذ و دفاتر و اعضاء و اجزاء و نظامی و اموار را لازم خواهد داشت و آنوقت همیشه هم صدای آنها بلند است که از ما مالیات می گیرند در صورتی که حقوق ما را بمانندند پس اگر این تهدیدات مالی یک تهدیدی باشد که دولت رسماً آنرا شناخته باشد باید در هر حال بپردازد بیانات و اظهارات آقای شیروانی یک مقدار مربوط است به جمله های خارج از مستمری و شهری که دعای و مطالبات اشخاصی از دولت باشد نسبت باین قبیل دعای و مطالبات باید دانست که امروزه ما در وزارت مالیه یک اسناد و مدارک صحیحه ابراز نشود و وقت کامل نشود باسانی دیناری بکسی داده نخواهد شد بنا بر این ازین حیث بنده میتوانم خاطر محترم آقایان را مطمئن کنم که در تصفیه این قبیل دعای و مطالبات در وزارت مالیه کمال دقت و مواظبت میشود و اگر همچو لایحه از تصویب مجلس بگذرد با آن ترتیباتی که عرض کردم هم ارباب حقوق و مستمری و شهریه راحت میشوند هم اسباب سهولت کار دولت و ادارات مالیه فراهم خواهد آمد و هم کار وزارت مالیه خیلی سبک خواهد شد جمعی از نمایندگان هم مذاکرات کافی است

زیر بنده میدانم یک پول هائی از یک مشت گدا و بدبخت گرفته می شود و بفرمایش طرفداران شهریه بیک مشت گدای دیگر داده می شود ما این جا دلال مظلم هستیم از یک دسته گدای می گیریم بیک دسته گدای دیگر میدهیم بنده اساساً باین اصل مخالفم و در موضوع این لایحه هم چون یک مرتبه مطرح شد و آقای حائری زاده آن را بایک اسرای ففلتاً بمجلس آوردند شاید آقایان درست در او دقت فرموده اند والا همان حرارت سابق جا دارد در این لایحه هم اقلاً کمی اظهار بشود اینجا در ماده اول می نویسند وزارت مالیه مجاز است مستمری و شهری و حقوق اداری متفرقه و مطالب شخصی اشخاص را از دولت از باب بدهی مالیاتی همان اشخاص راجع به همان سنه یا سنوات قبل محسوب دارد اولاً در این جا قائل شده اند که شهریه و مستمری جزء حقوق و مالیات اشخاص است که حالا می خواهند در مقابل تادیه مالیات با دولت حساب کنند این همین دارائی و ثروتی بود که آقایان یکساعت قبل حرارت بخرج دادند حالا همین حق را ما میخواهیم قائل شویم که دولت از باب مالیات حساب کنه بعضی از آقایان فرمودند این حقوقی است که مجلس تصویب کرده و باید به آنها داده شود اگر اینطور است پس چرا بطور

این که به نظر بنده یک اصل خیلی غلطی است یک نفر شخصی که بدبخت است ضعیف است مستمری ندارد از او مالیات بگیرند ولی آن کسی که مالیات بده هست حساب او را یک طوری که فرمودند میکنند برود بی کارش؟ این که به نظر بنده یک اصل خیلی غلطی است یک نفر شخصی که بدبخت است ضعیف است مستمری ندارد از او مالیات بگیرند ولی آن کسی که مالیات بده هست حساب او را یک طوری که فرمودند میکنند برود بی کارش؟ این که به نظر بنده یک اصل خیلی غلطی است یک نفر شخصی که بدبخت است ضعیف است مستمری ندارد از او مالیات بگیرند ولی آن کسی که مالیات بده هست حساب او را یک طوری که فرمودند میکنند برود بی کارش؟

ولی آنها اینکه قوه دارند و مالیات بده هستند از آنها مالیات نمی گیرند فرمودند همه بکسانند اگر اینطور است خوب بود یک ترتیبی در کار این اشخاصی که مدتها است در مجلس متحصن هستند و ادعای طلب از دولت میکنند داده میشد که اقلیای عده متحصن از سر مارتع میشود این اشخاص که یک سال است در مجلس متحصن هستند و یک مطالبات حقه هم از دولت دارند یک فکری را ایشان نمیکنند ولی آن ملاکی که مالیات بده است و یک مبلغ عتقگی هم شهریه می گرفته است او مالیات ندهد؟ این بقصد بنده یک چیز عجیبی است؟ دولت یک لایحه در چندی قبل راجع بمطالبات اشخاصی که از دولت داشته اند بمجلس آورده بود و لایحه خیلی صحیحی هم بود و راه حل خیلی خوبی هم پیدا شده بود که بالاخره برای اشخاصی که یک طلبی از دولت دارند و طلب آنها حق است یک فکری بشود خوب بود همان لایحه را می آوردند بمجلس و تکلیف این اشخاص را هم از همان طریق معین میکردند یعنی تکلیف طلب عموم مردم از دولت معلوم میشد ولی این لایحه اختصاص دارد بیک عده ملاک شهریه بگیر و هیچ ربطی هم بمملکت و ملیت و جامعه و این چیزها ندارد فقط برای این است که یکی دوسه سال از ملاک شهریه بگیر مالیات اخذ نشود این لایحه مربوط است باین اشخاص

حالا روزی که دولت حاضر شده رسیدگی بمطالبات مردم بکنند و اگر اشخاصی هستند که مطالبات حقه از دولت دارند طلب آنها را از بابت بقایا و بدهی شان قبول کنند من تصور میکنم باید دولت را تقصیر کرد برای اینکه ملتت این قضیه شده است که اعتبار و مواضی خودش است باید نگاه بدارد زیرا این مسئله اهمیتش خیلی بیشتر از ضرری است که احتمال دارد دولت از بابت پرداخت مطالبات مردم متحمل بشود هر وقت آقای شیروانی میل داشته باشند بنده حاضر صد فقره اسناد و مدارک راجع بمطالبات مردم بایشان ارائه بدهم که بدانند مردم حق دارند و چون دولت قوی است و زورش بیشتر است اصلاً حاضر نیست حرف آن صاحب طلب را گوش کند اما اینکه این قسمت از مطالبات مردم در کجا بایستی ثابت شود این قضیه یکی از بیوات تشکیلات مملکتی است که بایستی یک روزی یک قانونی وضع شود و تکلیف مردم را نسبت باین مطلب معین کند که کدام است آن محکمه صالحه که حق رسیدگی بدهای بین مردم و دولت را دارد امر روزا که بعضی کمات مالیه بروند اسباب زحمت است برای اینکه کمات مالیه از مستخدمین وزارت مالیه تشکیل شده که قطعاً در تحت تأثیرات مافوقش است اگر بعد بایرود که میکویند اصلاح عدلیه صلاحیت رسیدگی بدهای و اختلافاتی که مابین مردم و دولت هست ندارد بنا بر این این قانونی که پیشنهاد شده است از نقطه نظر حقوقی کاملاً مطابق است با قانون شرع و عرف و بنده با آن موافقم (خنده نمایندگان) رئیس - آقای آقا سید یعقوب ( اجازه ) آقا سید یعقوب - بنده ناچارم اولاً جواب این فرمایشی را که آقای رئیس فرمودند عرض کنم تا رفع نوهم بشود یک وقتی در دوره چهارم شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند که مسائل سیاسی مثل مسائل نهادهای است و می شود با قاعده انسان تغییر عقیده پیدا کند راجع باین لایحه دلایلی آقای فرزین در آن روز بیان کردند و اظهار نمودند کار وزارت مالیه سهل و آسان میشود و بجز این می افتد و یک حقوقهای کمی است و چیزی نیست و ضرری متوجه دولت نمی شود از این قبیل فرمایشات فرمودند که آن روز بنده با این قانون موافق شدم ولی حالا قطع نظر از ایراداتی که آقای شیروانی نمودند

بند دوازده را در نظر دارم یکی این است که ما در دوره چهارم در همین مجلس یک قانونی گذرانیدیم که آن قانون خزانه داری است که بایک شرف و شادمانی آن را گذرانیدیم و گفتیم که میخواهیم در تحت این قانون عایدات را تمرکز بدهیم بچه معنی؟  
بمعنای اینکه این جزئیاتی که هر کسی در ملک خودش حکومت داشته باشد ازین برود و نفوذ دولت و اوامر دولت در تمام اقطار مملکت حتی نسبت بدهات و قصبات هم جاری شود و عواید از مزایای خزانهداری وصول شود و از آنجا هم بیرون بیاید و خرج شود و یک کسی پیش خودش یک دفتر می درست نکند و بر حسب دفتر خودش بامور مالیه بگوید من خرج و دخل کردم این است مواجب من و این است مواجب آقا زاده من و این است حقوق نوکر من این هم حقوقی است که دولت برای من برقرار نموده آنوقت همان دفتر من شود از برای تفریح حساب در وزارت مالیه ما خواستیم بواسطه قانون خزانه داری عایدات تمرکز پیدا کند و عواید تماماً وارد شود بخزانه دولت و از خزانه دولت هم خارج شود و اصول سابقه را بکلی ازین بریم مالیه آوردیم که مواظبت کند راجع باین قضیه این یک مسئله مسئله دوم این است که آقایان ملاحظه فرمایند تواریخ ایران را که از ابتداء مبدأ قبول و سیوزعال از همین جا شروع شده است هی آمده اند در دربار خدمت کرده اند و واقعه خدمت کرده اند و اینک خدمت نکرده باشند آنوقت فرمان گرفته اند که در مقابل خدمات صادقانه فلان سر کرده به قبول بیدی و سیوزعال سمردی فلان مالیات را واگذار کرده اند یا مواجبی برقرار نموده اند مثلا صد خرورار کنتم پنجاه خرورار جو و فلان مبلغ نقد را از محل فلان ده باو واگذار کرده اند وقتی که تاریخ را نگاه کنیم می بینیم مبدأ قبول و سیوزعال و این حقوق از همین جا شروع شده است در دوره جدید تغییراتی که شده این است که این اصول ملوک الطوائفی جزئی جزئی که هر کس در ملک خودش یک سلطنتی داشته باشد گفتند باید از بین برود و دولت عایدات آنجا را بگردد و وارد خزانه خودش بکند و از خزانه خودش هم بدهد و آن شخص قادر نباشد با مردم و رعایای دولت آنطور سلوک بکند بعبارت اخیری رعایا را دولت پرست کنند مالک پرست دولت باید قادر باشد رعایای خودش را حفظ کند و این اصول را بر اندازد تا

قدرت پیدا کند معنای دولت مرکزی این است که هرش کردم هر عادت زشتی که در این مملکت برقرار شد در اولش جزئی بوده آن را جلو بگیریم نکرند کم کم آن جزئی کم می شده همه شما هم بامن هم عقیده هستید که عنوان تیول و سیوزعال بدعنوانی است و باید مرکزیت بدولت داد عرض می کنم همین جزئیات ما را بر می گرداند ب همان حالتی که خواستیم از آن حالت خودمان را تغییر بدهیم این است نظر مخالفت بنده نظر دیگر این است که آقای شیروانی بیان کردند که صورت حقوق و مستمریات و شهریه امسال را هنوز وزارت مالیه نتوانسته است بمجلس بفرستد و صورت شهریه را منضبط و مرتب کند و از تصویب مجلس بگذراند یک چیزی را که هنوز مجلس تصویب نکرده است چه طور ما اجازه بدهیم وزارت مالیه که بر شهریه که هنوز تصویب نشده تو حساب کن باید تصویب شود آنوقت برود حساب کند اینها است نظریات بنده در این ماده و این است نظر مخالفتم راجع باین لایحه مخیر - بنده تعجب می کنم که در یک مسئله باین سادگی این مطالب را آقای آقا سید یعقوب از کجا پیدا کردند و بیان نمودند زیرا این نمره بوط بتدریج عایدات است نه مربوط بتیول و آن کلمه دیگری که فرمودند و نمره بوط بتصویب شهریه و مستمریها که مانع تصویب کرده بانکرده باشیم گمان می کنم از خاطرها فراموش شده باشد در لایحه که در اوائل این دوره دولت تقدیم کرده بود کاملاً این مسئله را در آن لایحه تشریح کرده بودند باینکه ماده پنج قانون محاسبات عمومی مصوبه ۲۱ صفر ۱۳۲۹ می گوید که اعتبارات کل باجز هزینه کتاروز آخر موقع خرج پیدا نکرده باشد برگشت می کند حالا فرض بفرمائید که یک مستمریات مصوبه اولاً مربوط بتیول و سیوزعال که فرمودید نیست تمام مصوبه مجلس است و ما حرف از مصوبه مجلس می زنیم یعنی کتاب قوی تبیل ۱۳۲۸ مقصود آن مستمری و شهریه هائی است که مجلس اول از آن تاریخ وضع کرده پس اینها مربوط بتیول و سیوزعال نیست تصور بفرمائید در سنه لوی تبیل گذشته در فارس خودتان یک مستمریاتی بوده که در حق بعضی اشخاص برقرار بوده و در آخر سال (بواسطه مخارج لازم فوری که بیشتر لازم بوده تاپرداخت مستمریها) پرداخت نشده است آن مستمریها و آن اشخاص هم که مستمری داشته اند یک مقداری از مالیاتشان

را زمین گذاشته اند باصلاح مالیه باین موقوفه مطالبه مانده است و مستمری خودشان را هم نکرده اند یعنی این حساب بانام مانده است همینطور در تمام ایالات و ولایات و در مرکز این قبیل موقوفه ها هست در این سنوات وزارت مالیه یا مجال نکرده بود که باین حسابهای موقوفه رسیدگی نماید یا بنخواست است از دوسال قبل که باین فکر افتاده اند دیدند یکی از چیزهائی که فوق العاده وزارت مالیه را مشغول داشته است این مسئله است همیشه باید وزارت مالیه یک اداره بقایا بایک شمع بقایا یا شعب وظایف داشته باشد که معلوم شود در سالهای پیش چقدر مستمری چه اشخاصی طلب کارند و در مقابل چه اشخاصی بده کارند که این محاسبات را تصفیه کند و این چیزهائی را هم که آقای شیروانی گفتند باید نیست اگر یک کسی از چهل سال پیش باید مطالبه مستمری بکند ابداً یکشاهی باو نمی دهند مقصود از مستمری که گفته میشود مستمریات مصوبه مجلس شورای ملی است مقصود از مستمریات مستمریات عهد دقیانوس نیست آنوقت وزارت مالیه خواست این محاسبات را تصفیه کند یعنی یک کسیکه مستمری داشته است در پنج سال قبل یا هشت سال قبل و در آن سال هم نرخ مستمری مثلا بموجب تصویب نامه های دولت یک تومان بوده است یا دو تومال بوده است به نرخ همان سال اگر مالیاتی بده دارند این را حساب و تصفیه کنند که دیگر این از قلم بقایا برداشته بشود و از مستمریات حذف شود که هده خودشان را طلب کار دولت ندانند و دولت هم دیگر بده کار نباشد و یک حساب هائی را هم که منشاء و مأخذ و معنائی ندارد در حساب خودش ننویسد و این حسابها را بکلی تسویه کنند آنوقت (ماده پنج قانون محاسبات عمومی) دیدند بدون تصویب مجلس شورای ملی نمی توانند این محاسبات را تفریح کنند و این اشکالاتی را که آقا و آقای شیروانی اظهار کردند بنده ابداً در این لایحه نمی بینم و نه قصد دولت این بوده و نه قصد کمیسیون بلزم برای رفع اشکال و برای استحکام مطلب اگر چیزی بنظر نامیرسد بفرمائید ما قبول می کنیم والا اصل مطلب این است (جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است) رئیس - کافی است بعضی از نمایندگان - بلی رئیس - بیهوده ها قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

بند دوازده را در نظر دارم یکی این است که ما در دوره چهارم در همین مجلس یک قانونی گذرانیدیم که آن قانون خزانه داری است که بایک شرف و شادمانی آن را گذرانیدیم و گفتیم که میخواهیم در تحت این قانون عایدات را تمرکز بدهیم بچه معنی؟  
بمعنای اینکه این جزئیاتی که هر کسی در ملک خودش حکومت داشته باشد ازین برود و نفوذ دولت و اوامر دولت در تمام اقطار مملکت حتی نسبت بدهات و قصبات هم جاری شود و عواید از مزایای خزانهداری وصول شود و از آنجا هم بیرون بیاید و خرج شود و یک کسی پیش خودش یک دفتر می درست نکند و بر حسب دفتر خودش بامور مالیه بگوید من خرج و دخل کردم این است مواجب من و این است مواجب آقا زاده من و این است حقوق نوکر من این هم حقوقی است که دولت برای من برقرار نموده آنوقت همان دفتر من شود از برای تفریح حساب در وزارت مالیه ما خواستیم بواسطه قانون خزانه داری عایدات تمرکز پیدا کند و عواید تماماً وارد شود بخزانه دولت و از خزانه دولت هم خارج شود و اصول سابقه را بکلی ازین بریم مالیه آوردیم که مواظبت کند راجع باین قضیه این یک مسئله مسئله دوم این است که آقایان ملاحظه فرمایند تواریخ ایران را که از ابتداء مبدأ قبول و سیوزعال از همین جا شروع شده است هی آمده اند در دربار خدمت کرده اند و واقعه خدمت کرده اند و اینک خدمت نکرده باشند آنوقت فرمان گرفته اند که در مقابل خدمات صادقانه فلان سر کرده به قبول بیدی و سیوزعال سمردی فلان مالیات را واگذار کرده اند یا مواجبی برقرار نموده اند مثلا صد خرورار کنتم پنجاه خرورار جو و فلان مبلغ نقد را از محل فلان ده باو واگذار کرده اند وقتی که تاریخ را نگاه کنیم می بینیم مبدأ قبول و سیوزعال و این حقوق از همین جا شروع شده است در دوره جدید تغییراتی که شده این است که این اصول ملوک الطوائفی جزئی جزئی که هر کس در ملک خودش یک سلطنتی داشته باشد گفتند باید از بین برود و دولت عایدات آنجا را بگردد و وارد خزانه خودش بکند و از خزانه خودش هم بدهد و آن شخص قادر نباشد با مردم و رعایای دولت آنطور سلوک بکند بعبارت اخیری رعایا را دولت پرست کنند مالک پرست دولت باید قادر باشد رعایای خودش را حفظ کند و این اصول را بر اندازد تا

بنده پیشنهاد میکنم کلمه همان سته از ماده حذف شود

شوشتری

بجای پیشنهاد سابق این بنده پیشنهاد می نمایم که پس از (و شهری) اضافه شود (فقط تا یکصد تومان) طهرانی بنده پیشنهاد ذیل را تقدیم می کنم دولت مجاز است مطالبات مصدقه وثابته اشخاص را از بابت بدهی مالیاتی آنان احتساب کند مشروط بر اینکه مطالبات راجع بشهریه و مستمیری ویا حقوق و مقرری ادارای همان اشخاص بوده و مربوط بعد از تاریخ ۱۳۲۸ باشد

شریعت زاده

بنده پیشنهاد میکنم بجای ماده اول این قسم نوشته شود کلیه مطالبات اشخاص که جنسی بدولت فروخته یا برای دولت مزدوری نموده اند باید بابت مالیات آنها محسوب بشود.

محمد هاشم میرزا

این بنده پیشنهاد می نمایم که پس از لفظ دولت در (پرانتز) اضافه شود که در کمیسیون مالییه تصدیق شده باشد

طهرانی

شیخ محمد علی الموتی پیشنهاد می نماید اشخاصی که مالیات بده هستند یعنی هایبات دارند و محتاج بشهریه و مستمیری نیستند علاوه بر اینکه مستمیری و شهری آنان در عوض مالیات محسوب نشود مستمیری و شهری آنان قطعی شود.

رئیس - ماده دوم (بعضی ذیل قرائت شد)

ماده ۲ - مستمیری و شهرییه فقط اندازه نرخ معمول که دولت بسایر مستمیری و شهرییه بگیرد تادیه می نماید در مقابل بدهی دائن محسوب خواهد شد

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - مستمیری و شهرییه باندازه نرخ معمول بنده نرخ معمول را بنیدانم چه قدر است زیرا در ماده باید میگویید نسبت به همان سته.

یعنی اگر از زمان فترت در یک کابینه یک عده اشخاص آمده اند تصویب نامه تومان تومان صادر کرده اند نرخ آن روز بدهند بنده اساساً آن تصویب نامه را برخلاف قانون اساسی می دانم و هر عملی که در دوره فترت شده تمام را باطل و غلط می دانم بنابراین آنوقت يك کسی که آمده تومانی دوریال مستمیرش را تومانی يك تومان کرده حالاهم که می خواهد حساب خودش را که تقریباً از دوره فتحعلی شاه تا حالداشته حساب کند مطابق مفاد این ماده (مداگر ماده تا راعوض کنند چه عرض کنم) ولی بموجب این ماده از زمان خاقان مغفور هر چه بدهی بدولت دارد چون توی کتابچه مستمیرات اسمش نوشته شده باید مالیاتش

را بهوش به بخشند مالیات که نداد زور داشته تفنگ داشته.

اینها را از همان موقع حساب کنندو بگوید من مده خور بودم چون آن روز مفت خور بودم امروز مالیات نمی دهم.

این است که عرض می کنم مخالفت بنده با این ماده برای همین است.

(مستمیری و شهرییه فقط باندازه نرخ معمول این نرخ معمول) این نرخ معمول تعیینش لابد با یکی مستخدمین مالییه خواهد بود.

بیکمی که زور ندارد می گویند باید نرخ معمول تومانی دوریال حساب شود و یکی دیگر که نفوذ دارد و می تواند برود وزارت مالییه راجع نفوذ تأثیر خودش در بیاورد این دیگر نرخ معمولش يك تومان می شود.

این دیگر بسته است بدرت و نفوذ اشخاصی که يك وقتی تفنگ داشتند و مالیات نمی دادند - حالا طور دیگر مالیات نمی دهند یعنی حالا که باید توی سرش بزیند و مالیاتش را بگیرند می گویند يك وقتی کاغذ پاره بدست من بوده حالا بنایستی مالیات بدهم و بالاخره بنده با این نرخ معمول هم مخالفم.

مخیر - عیب کار اینجا است که ایشان بمداز اظهار مخالفت هر ایش ما را گوش نمی دهند و مکررات می فرمایند.

اینکه می گویند از عهد فتحعلی شاه است اولاً فتحعلی شاه کتاب مستمیرات بانی نسازند کتاب مستمیرات همان است که از تصویب مجلس گذشته است اما راجع نرخ معمول که می فرمایند.

بنده کاری ندارم تمام بتصویب نامه هائی که در دوره فترت صادر شده ولی همان تصویب نامه هائی که در آن موقع راجع بمستمیرات صادر شده بفتح دولت بوده است مجلس کمی رأی داد تومانی پنجقران بدهند؟

مجلس کمی رأی داد تومانی دو ریال بدهند اینها بموجب تصویب نامه های دوره فترت است يك کابینه آمد تومانی پنجقران کرد. يك کابینه تومانی دو ریال کرد.

اینرا هم مثل سایر چیزهای دوره فترت نمی شود حساب کرد علاوه نرخ معمول که میگویید یعنی نرخ معمول مربوط به همان سته.

مثلاً سته لوی پهل راتومانی پنجقران داده اند حالا هم تومانی پنجقران حساب می نمایند یا بکنفر تومانی تومان گرفته حالا هم باید همانطور محسوب دارند

مقصود این است که نرخ معمول همان سال را در نظر بگیرند یکسال معمول بوده است که تمام مستمیرات راتومانی دو ریال داده اند حالاهم بهمان نرخ تومانی دوریال حساب می کنند.

ایشرا باید وزارت مالییه تشخیص بدهد

رشاهم مطمئن باشید که امروز وزارت مالییه تومانی دوریال را دو ریال و یکشاهی نخواهد داد و اینهم مربوط بامسال نیست چرا برای اینکه امسال محتاج نیستند.

امسال راقانون محاسبات عمومی جلویش را نمیگیرد این مربوط بسالهای گذشته است و خیلی هم اگر بخوایم جلو برویم باید از مجلس اول بگیریم تا حالا در صورتیکه این اندازه هم نیست.

رئیس - باید عرض کنم که راپرت کمیسیون خارجه راجع بمستمیرین بلژیکی حاضر است بعد از اینکه این مطلب تمام شد ممکن است مطرح شود بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

آقای سید یعقوب - کافی نیست

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده عرض کردم با کفایت مذاکرات مخالفم اجازه می فرمائید

رئیس - بفرمائید

آقای سید یعقوب - بنده برای خاطر این عرض کردم مخالفم زیرا رأی دادن تصدیق است و تصدیق بدون تصور موضوع را هم گمان نمیکنم هیچ عاقلی بنماید. حالا که ما باید رأی بدهیم بنابر فرمایش خود آقای عمادالسلطنه ما نمی دانیم چه قدر است و از چه راه است؟

بنابر این مایبک چیز معمول مهم چه طور رأی بدهیم تصدیق فرع بر تصور است این است جهت مخالفت بنده

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه مذاکرات را در ماده دو کافی میدانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. ماده الحاقیه پیشنهاد آقای دکتر آقایان.

(بعضیون ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد منمایم: شهرییه یا مستمیری که قبل از این قانون در مقابل محکومیت صاحبان آن ها در توقیف عدلیه بوده شامل این قانون نمی باشد

رئیس - شور اول تمام شد باید رأی بگیریم برورد در شور ثانی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای ضیاء

(بترتیب ذیل خوانده شد)

حقیر پیشنهاد منمایم خبر کمیسیون فوائد عامه راجع باذران و مقادیر جزو دستور شود

رئیس - آقای عمادالسلطنه (اجازه)

عمادالسلطنه - بنده می خواستم عرض کنم لایحه بلژیکیها بمناسبتی که هم آقایان می دانند چون تجدید کثرت است و موهد زیادی هم بانقض مدت کثرت ایشان باقی نمانده باید زودتر تکلیفشان معین شود خوبست امروز جزو دستور شود که تکلیفش معلوم شود آنوقت بعد پس فردا لوایحی که هست هم شان تمام خواهد شد.

رئیس - آقای ضیاء (اجازه)

ضیاء - بنده می خواستم عرض کنم که فقط يك ماده الحاقیه از این قانون بیشتر نمانده است و مذاکرات زیادی هم لازم نخواهد داشت و راجع بیازده نفر یادآورده نفر مستخدمین بلژیکی هم موافقت نمودند و ممکن است جزء دستور در جلسه آتی باشد

رئیس - رأی گرفته می شود پیشنهاد آقای ضیاء آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

(رایبورت مزبور بشرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه دولت مکلف است که اوزان فلزی را که در مملکت تا تاریخ تصویب این قانون موجود است در عوض اوزان جدید از همان فلز یا کسریه هر از وزن قبول نماید.

جدول منضم باین قانون موافق با همان صورت است که اخیراً ضمیمه بوده اضافه مقررات ذیل:

اضافات - در اضعاف مقیاس سطح: میل مربع یکمیلون کز مربع بيك كيلومتر مربع در اجزای مقیاس حجم: موی مکعب يك ميليتر مکعب درمقاس وزن: متقال ۱ گرم

رئیس - مخیر کمیسیون حاضر نیست.

یکنفر از نمایندگان - منشی هست

رئیس - آقای ضیائی (اجازه)

ضیائی - بنده موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - از این ماده الحاقیه اینطور مستفاد می شود که برای مخارج تهیه سنگهای جدید يك تفاوتی معین شده است و آن تفاوت این است از برای ساختن همان سنگ در صورتیکه اینطور نیست.

برای ساختن يك سنگی که مدلس در وزارت فوائد عامه ساخته شده است بنده اطلاع دارم که اگر يك سنگ فلزی موجودی را بدهند معادل اواز همان فلز نمی شود ساخت.

بنابر این نمی شود دولت را ملزم نمود باینکه کلیه سنگهای فزی را قبول کند یا سه هر کمتر از حیث وزن و سنگهای

جدیده راعوض بدهد مگر اینکه مجلس در نظر داشته باشد که يك اعتباری بدولت بدهد که اگر سه عشر سنگهای سابقه کافی نباشد از روی آن اعتبار مخارج را بپردازد و بقیه بنده این ماده عملی نیست و تا يك اعتبار مخصوصی نداشته باشد نمیتواند این کار را بکند

رئیس - آقای ضیاء (اجازه)

ضیاء - بنده خاطر محترم آقای شریعت زاده را ندانم که میده که اصل لایحه بقسمی تدوین شده که ساختن اوزان و سنگ برای هر کسی آزاد است مثلاً فلان آهنگر یا مسگر صد من سنگ لازم دارد در حالتی که خودش آهنگر است.

یا فلان مسگر در حالتی که خودش مسگر است.

در اینصورت اشخاصی هستند که خودشان سنگ برای خودشان تهیه می کنند مطابق همان ترتیبی که وزارت فوائد عامه در قانون و نظامنامه معین کرده است و پس از آنکه بهر وزارت فوائد عامه رسید

آن سنگ را بکار می اندازد در کلیاتش هم در این موضوع خیلی مذاکره شد و نظر محترم بعضی از آقایان این بود که در دهات و قراء ممکن است اشخاص بی بضاعتی باشند و در آنجا هم آهنگر یا مسگر نباشد و بخواهند سنگهایشان راعوض کنند. این بود که برای تسهیل امر اظهار رأی شد و مجلس هم موافقت کرد

که در این گونه امور سنگهایی که تهیه می شود برای مردمان بی بضاعت که در دهات هستند سنگهایی که آنها موجود دارند و از آهن یا سایر فلزات است.

آنهارا بگیرند سه عشر کسر کنند و در عوض سنگ جدید بآنها بدهند.

این بود که از نقطه نظر تسهیل امر این ماده را پیشنهاد کردند و در جلسات گذشته هم مجلس موافقت کرد و کمیسیون هم از همین نقطه نظر اظهار موافقت نموده است.

جمعیه از نمایندگان - مذاکرات کافی است

معاون وزارت مالییه - برای اصلاح این منظور اعتباری را که آقای شریعت زاده متذکر شدند لازم است در جای خودش صحیح است و علاوه پیش بینی این قسم چیز هائی را هم که آقای ضیاء الواعظین فرمودند لازم است یعنی راجع بقراه و قصبات و مساعدت باشخاص بی بضاعت و آتھائی که استطاعت ندارند

آن هم صحیح است ولی بنده در این جا يك اشکالی بنظر رسیده که اگر رفع این اشکال هم بشود

خیلی خوبست و آن این است که در سنگهای جدیدی که ساخته می شود ملزم نیستند

حتماً از همان فلزی باشد که سنگهای قدیم ساخته شده است زیرا ممکن است که غالباً سنگهای قدیم از آهن باشد ولی سنگهای جدید را از يك فلزهای مخلوطی بمناسبت وزن و استحکام و اینکه فرمایشی پیدا کنند

تهیه کنند و اینکه در تبصره یا ماده نوشته شده است که از سنگهای قدیم در مقابل وزنه های جدید معادل سه عشر کسر می کنند

این در صورتی است که از يك فلز واحد ولی وقتی فلز واحد نباشد اشکال پیش می آید بنابراین اگر رفع این اشکال هم بشود خیلی خوبست

رئیس - آقای ندین (اجازه)

ندین - بنده موافقم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - مذاکرات کافی است

جمعیه از نمایندگان - بلی کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب الدین (بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم جمله تا تاریخ تصویب این قانون تبدیل شود بجملة تا تاریخ اجراء این قانون هر يك از نقاط آقامیر زاشهاب - در اینجانوشته شده است تا تاریخ تصویب این قانون اوزان فلزی که موجود است تبدیل می شود باوزان جدید

این اوزان فلزی موجود هیچکدام تاریخ رویش نیست و ممکن است در موقع اجراء این قانون مأمورین این امر هر کدام از اوزان را که میخواهند قبول کنند بگویند اینها را بعد از تصویب این قانون درست کرده اید بنابراین باید اینجا نوشته شود تا حین اجراء این قانون هر چه موجود است دارنده آن وزنه بتواند آن فلز را رابدهد در عوض وزنه جدید بگیرد

جمعیه از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - این بنده تصور می کنم لازم باشد

برای اینکه این سنگها را وقتی که بنده در کمیسیون فوائد عامه بودم اینطور قائل شدم که بيك شکل مخصوصی درست بکنند و دولت هم يك مهرهای مخصوصی روی آن میزند در این صورت این سنگها با سایر سنگها اشتباه نمیشود.

بعضی از نمایندگان - این مربوط بهم نبود

رئیس - رأی میگیریم آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد مراجعه می شود بکمیسیون ماده دهم (بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۱ - وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه مأمور اجراء این قانون و سایر وزارتخانه ها نیز هر يك در حدود اختیارات خود در اجراء آن مشارکت خواهند نمود.

رئیس - مخالفی ندارد؟

جمعیه از نمایندگان - از نمایندگان خیر

رئیس - بعد از آنکه تکلیف آن ماده که مراجعه شد بکمیسیون معین شد آن وقت این ماده بازده میشود

رأی می گیریم آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد درایب گرفته شد باضعاف مقیاسهای سطح قفیز صد گز مربع يك دکامتر مربع مخالفی دارد؟

جمعیه از نمایندگان - خیر

رئیس - آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. جرید ده هزار گز مربع - هکتار آقایان تصویب کنندگان قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. میل مربع مساوی يك میلیون گز مربع یا يك كيلومتر مربع آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مقیاسهای حجم (بشرح ذیل خوانده شد)

مقاسهای حجم گز مکعب مساوی يك متر مکعب اجزاء مکعب مساوی يك دسی متر مکعب ۱ بیماه مساوی يك لیتر

مکعب موی مکعب مساوی يك میلی متر مکعب

مکعب در بیماه ها برای مالیات و غیره کره مکعب واحد مقیاس خواهد بود و بیماه نامیده خواهد شد

رئیس - رأی گرفته می شود. کره مکعب مساوی يك دسی متر مکعب آقایان موافقتین قیام فرمایند

( اکثر برخاستند )

رئیس - تصویب شد

بهر مکعب مساوی يك سانتی متر مکعب

رئیس - آقایان تصویب کنندگان قیام فرمایند

( غالب نمایندگان قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد

موی مکعب مساوی يك میلی متر مکعب

رئیس - آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد

بیماه مساوی يك لیتر

رئیس - آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

( اغلب برخاستند )

رئیس - تصویب شد

مقیاسهای وزن. درم مساوی يك کرام

اجزاء

نخود: ده يك درم

ارزان: صد يك درم

خردل: هزار يك درم

متقال درم سیر: صد درم

سنگ هزار درم

تبصره دولت می تواند محض سهولت معاملات اجزاء واضعاف قرعی برای مقیاس های وزن تهیه نماید. واحد مقیاس درم مساوی يك کرام

رئیس - رأی میگیریم باین قسمت که قرائت شد. آقایان موافقتین قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد

نخود: ده يك درم

رئیس - آقایان که تصویب کنندگان قیام فرمایند

( اغلب نمایندگان قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد

ارزان - صد يك درم

رئیس - آقایانی که موافقت قیام فرمایند

( عده کثیری برخاستند )

رئیس - تصویب شد

خردل: هزار يك درم

رئیس - آقایان که تصویب کنندگان قیام فرمایند

( اغلب نمایندگان قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد

متقال مساوی ده درم

رئیس - آقایانی که موافقت کنند قیام فرمایند

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد

سیر: صد درم

رئیس - آقایان موافقتین قیام

فرمایند  
(اغلب برخاستند)  
رئیس - تصویب شد  
سنگ : هزاردرم  
رئیس - آقایانی که تصویب می نمایند قیام فرمایند.  
(اغلب قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شد. اینجا اشتباهی شد مثقال راده درم قرائت نمودند باید ده گرم باشد.  
تصویر دولت می تواند معضس هولت معاملات اجزاء و اضعاف فرعی برای مقیاس های وزن تهیه نماید

رئیس - مخالفی دارد  
شیروانی - بنده مخالفم  
قلندین - بنده هم مخالفم  
رئیس - آقای تدین (اجازه)  
قلندین - اینجا اجزاء و اضعاف بطور مطلق نوشته شده و باید اینجا کلمه اعشاری را علاوه کنند که رفع اختلاف بشود. باید بنویسند اضعاف و اجزاء اعشاری  
رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقتند؟  
آقا سید یعقوب - بلی بنده می خواستم عرض کنم این اشکالی ندارد در کمیسیون هم این صحبت شد اشکالی ندارد  
رئیس - قای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده هم نظرم همین طور است که آقای تدین فرمودند زیرا اینجا اضعاف و اجزاء اعشاری است یا غیر اعشاری؟ اگر اعشاری است باید ذکر شود و اگر غیر اعشاری است که نقض غرض است. زیرا ما میخواهیم اصول سیستم مطریک را بپذیریم.  
رئیس - آقای تقی زاده (اجازه)  
تقی زاده - بنده تصور میکنم اینجا مقصود غیر اعشاری است و در کمیسیون هم که در این مطلب مذاکره میشد مقصودشان این بود که من وسایر سنگهایی هم که فعلا موجود است باین زودی از بین نرود.  
یعنی اگر دولت من را میخواهد سه سنگ قرار بدهد بتواند یا اگر بخواهند يك چیزهای دیگری مثلا پنج مثقالی یا چارک یا سیرداشته باشند بتوانند ولی در هر صورت اساسش باید روی همان سنگ و درم باشد.

رئیس - شاهراده غلامحسین میرزا (اجازه)  
غلامحسین میرزا - در کمیسیون هم همین طور که آقای تقی زاده فرمودند مقصود این بود که يك وزنه های دیگری هم باشد.  
مثلا اگر بخواهند وزن پنج درمی که

مساوی با پنج گرم است داشته باشند بتوانند درست کنند و در آجهائی اضافه که اصول سیستم مطریک هم کاملاً مجری است معذک آنجهام همین طور است.  
مثلا در فرانسه اوزانی است که مساوی است با سه کیلو یا چهار کیلو یا پنج کیلو - این هیچ مانعی ندارد. اینجا شما اجازه میدید که اگر دولت بخواهد يك اوزانی که مثلا مساوی با پنج کیلو یا سه کیلو باشد تهیه نماید بتواند.

رئیس - آقای تدین (اجازه)  
تدین بنده مقصودم همان بود که عرض کردم ولی بعد از توضیحاتی که آقای تقی زاده دادند اشکالم زیاد تر شد و کاملاً مخالفم زیرا (اضعاف و اجزاء هر قدر که دولت بخواهد مختار است درست کند)  
\* اگر در حدود کسر اعشاری باشد میتواند والا اگر غیر از کسر اعشاری باشد آنوقت باز این همان وضعیتی میشود که در سابق داشتیم مثل بیست و چهار نفود يك مثقال شانزده مثقال يك سیر.  
چهل سیر يك من و بالاخره صد من یکغروار و این نقض غرض است و در این مدت يك زحمت بیفائده کشیده ایم بنابراین بنده بعد از توضیحاتی که آقا دادند اگر کلمه اعشاری علاوه شود بنده هم موافقم والا مخالفم و پیشنهادی هم تقدیم کرده ام.

رئیس - آقای زهیم (اجازه)  
زهیم - در اینجا نمیشود گفت که حتماً بعد از اجزاء و اضعاف باید کلمه اعشاری اضافه شود. برای اینکه فرض کنید يك کسی پنج نیمانه شیر میخواهد برای این يك سنگی درست می کنند و يك اسمی هم میگذارند ولی وزنش پنج نیمانه است و این پنج نیمانه خودش اعشاری است و قابل تجزیه است بده و این را اگر بگوئیم حکماً باید پنج تا راه پنج دفعه بکشند  
برای اینکه اجزاء اعشاری پیدا شود اینکه نمیشود و اساساً وقتی که قاعده روی اعشاری شد طبعاً اضعاف و اجزاء اعشاری میشود. مثلاً در مقیاس نقد واحد فران فران است وقتی که چاپ میکنیم می بینیم یکشاهی صد دینار و همین طور بالاتر تا تومان همه اضعاف و اجزاء اعشاری است

ولی اینکه قید شود که اینجا حکماً کلمه اعشاری گنجانیده شود فایده ندارد زیرا این کلمه مهملم میماند و يك معنای علمی پیدا نمیکند جز اینکه دست و پای کسب را تنگ میکند و همانطور که آقای تقی زاده فرمودند دولت میتواند واحد را اعشاری قرار بدهد و سنگهای دیگری هم داشته باشد که کسبه با او معامله کنند بنده هم با ایشان موافقم و راپرت را کافی میدانم و گمان نمی کنم این نظری که حکماً کلمه

اعشاری درش قید شود لازم باشد.  
رئیس - پیشنهاد آقای تدین (بترتیب ذیل خوانده شد)  
بنده پیشنهاد میکنم که کلمه اعشاری بعد از جمله (اضعاف و اجزاء فرعی) اضافه شود  
رئیس - توضیحی دارید فرمائید  
تدین - بنده توضیح همان بود که عرض کردم ولی می خواستم تذکر بدهم با آقای زهیم که کسر متعارفی قابل تحویل بکسر اعشاری نیست

کسر متعارفی سه قسمت است. يك قسمتش قابل تحویل یا اعشاری هست ولی دو قسم دیگرش نیست و کسر متناوب بسبب و متناوب مرکب پیدا می شود  
اگر مقصود اینجا است که يك چهارم واحد را بگیرند این قابل تحویل است مثل پنج درصدم پنجاه صدم و سه ربعمش که میشود هفتاد و پنج صدم.

اما اگر غیر از این باشد ممکن است که بخواهند تحویل يك کسرهای غریب و عجیب بکنند که بکلی موضوع این لایحه را از بین ببرد

رئیس - رأی گرفته می شود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای تدین آقایان موافقتین قیام فرمایند  
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد مراجعه میشود بکمیسیون  
آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده تصور میکنم چون مخبر حاضر نیست و مدتی هم این راپورت طول کشیده خوب است آقایان اعضاء کمیسیون هم پیشنهاد آقای تدین هم پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب را قبول کنند برای اینکه دیگر باز مدتی در آن حرف زده نشود و بنده که یکی از اعضاء کمیسیون هم قبول می کنم  
رئیس - جلسه را می فرمائید ختم کنیم؟

جمعی از نمایندگان - صحیح است  
رئیس - آقای بیات (اجازه)

بیات - بنده در دستور عرضی دارم.  
رئیس - فرمائید  
بیات - قانون سبج احوال گویا چند ماده ازش باقی مانده و از قراری که بنده تحقیق کرده ام در کمیسیون داخله مذاکره شده و راپورت هم داده اند. خواستم پیشنهاد کنم در جلسه دیگر جزء دستور شود.

رئیس - مخالفی ندارد  
بعضی از نمایندگان - خیر  
رئیس - آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - بنده می خواستم پیشنهاد کنم همین مسئله اوزان و مقادیر که شاید دقیقه بیشتر وقت ندارد.

در اول مجلس جزء دستور باشد تکلیفش معلوم شود.

رئیس - مخالفی ندارد؟  
جمعی از نمایندگان - خیر  
رئیس - آقای زهیم (اجازه)

زهیم - عرض بنده همان بود که آقای سهام السلطان فرمودند.  
رئیس - آقای فاطمی (اجازه)

فاطمی - بنده مخالف نیستم که پیشنهاد آقای سهام السلطان در دستور جلسه آن باشد.

ولی در درجه اول و دوم بودنش هم داشتیم.

حالا آقای تقی زاده لایحه اوزان را مقادیر را پیشنهاد کرده اند ممکن است در درجه اول لایحه بلژیکی ها را قرار بدهیم بعد در درجه سوم همان پیشنهاد آقای سهام السلطان باشد که تکلیف آن لایحه بلژیکی ها هم معلوم شود.  
رئیس - آقای ضیاء (اجازه)

ضیاء - بنده هم همانطور موافقت می کنم در درجه اول اوزان و مقادیر بعد بلژیکی و در درجه سوم سبج احوال باشد.  
رئیس - آقای معتمد السلطنه (اجازه)

معتمد السلطنه - بنده در ضمن پیشنهاد که تقدیم کرده ام تقاضا نموده ام راپورت کمیسیون بودجه را جع بورتی میرزا معتمد خان مشاور الملك جزء دستور جلسه آن شود.

رئیس - مخالفی ندارد؟  
رئیس - فرمائید.

اتحاد - در اینجا هر روز بنده مشاهده میکنم يك لواجی که مربوط بمالیات و حقوق و شهریه است جزء دستور میشود ولی آقایان قوانینی که مربوط بمالیات مملکت است هیچ پیشنهاد نمیکنند.

بنده گمان میکنم همانطور که پیشنهاد شده قانون سبج احوال و مسئله اوزان و مقادیر و بعد پیشنهاد آقای معاد السلطنه جزء دستور شود بهتر است  
رئیس - عده کافی نیست برای رأی عاجالتاً اوزان و مقادیر بعد بسبج احوال بعد لایحه بلژیکی ها است.

جمعی از نمایندگان - صحیح است  
(مجلس مقارن ظهر ختم شد)  
رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا

منشی م - شهاب  
منشی - دکتر احتشام طباطبائی